

# راز بیلیون دلار

از انتشارات

سازمان مجاهدین خلق ایران

شهریور ماه ۱۳۵۳



مقاله فرد جی ۰ کوک که در مجله آمریکائی نیشن در ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ منتشر شده است به استناد مدارکی نوشته شده که هر چند گاهی بر اثر تضاد منافع عناصر مزد ور هیأت حاکمه با یکدیگر فاش میشود. اختلاسها و خیانتی که در این مقاله فاش شده گرچه با مقایسه با آنچه اکون میشود ناچیز است اما از این رو که افشاء کنده فساد، جنایات و عملیات جاسوسی هیأت حاکمه مزد ور، در راستان شاه خائن، بنفع بیگانه و بمنظور ثبیت موقعیت اوست بفارسی برگردانده شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران

فرد . جی . کوک

مجله نیشن ۱۲ آوریل ۱۹۶۵

### ” راز بیسیلیون دلار ”

هم اگون در دیوان عالی ایالت نیویورک عجیب ترین دعوای  
بی سروصدائی که نتایج ضعن آن ، هدفهای اولیه خصوصی  
را تحت الشاع خود قرار داده ، بلا تکلیف مانده است.  
این پرونده از دو بیلیون دلار پول نقی که امریکا پس  
از جنگ روم جهانی به ایران پرداخته است پرده بر میدارد.  
مقاله حاضر گزارش است از مدارک و شواهدی که در خلال  
این جریان عرضه شده است . اهمیت در خواست دراین  
نیست که مقادیر معین پول با فراد مشخصی پرداخته شده  
است ( که درباره آن توضیحات کاملاً موجه و رضایت  
بخشی میتواند وجود داشته باشد و بدون شک وجود دارد )  
بلکه بیشتر مطرح کوئن این سوال است که آیا مبلغ  
هنگفت کمک خارجی را که ایران از امریکا دریافت کرده  
باشد بهبود شرایط اقتصادی ، اجتماعی ایران شده ؟ یا  
بر عکس بصورت برنامه کمک ایران به عدد منتفی از ایرانیان  
و امریکائیان پرداخت شده است.

سر دبیر اس ( مجله نیشن )

۱- کاخ زمستانی محمد رضا شاه پهلوی دریامد از روز ششم فوریه ۱۹۶۲

در خواب آرامی فرورفته بود که مأموران خیرخان دست بکار نهادند. انبوه چکهایی که از سازمانهای اداری ایران آخر وقت بعد از ظهر روز پنجم فوریه صادر شده بود بکاخ سلطنتی در تهران تحولید آورده شد. این چکهای امضا شده عبارگا و صندوقی، در انتظار توزیع بین دریافت کنندگان خوشبخت نگهداری میشد. مأموران خیرخان که بکاخ شاه رخنه کردند میخواستند نسخه هایی از این چکها بدست آورند تا آنچه را که بوسیله جاسوسی قبلی شان فاش شده بود (انحراف میلیونها دلار کم اقتصادی امریکا به جیب های خصوصی شاه) خانواره اش و همکاران ایرانی، امریکائی و انگلیسی اش) بیشتر مستند کنند.

یان فلمینگ (۱) نیز رخیال انگلیزترین لحظات تصوراش غرگز فیلم جیمز بانی هیجان انگیزی نساخت که تفوقی بر در رام زندگی واقعی که در کاخ شاه ایران در آن صبح اوائل فوریه سال ۱۹۶۲ در شرف تکوین بود، داشته باشد. در این بخایت پیچیده، آنوده به قتل و مشحون به خیانت دو جانبی آشکار و آنکه از طمع، دریک طرف قدرت امپراطوری بیرحم شاه فرار داشت و در طرف دیگر غیرت و حمیت عصیانگر قبائل ایرانی که بوسیله خانواره پهلوی، گارد قصرش و ارتضی که بوسیله امریکائیها تجهیز یافته، از زمین هایشان، نفت شان و درآمدشان خلیع ید شده بودند، این عمل حول دو شخصیت اصلی یعنی محمد رضا پهلوی و خیرخان در میز

خیرخان کیست؟ اویک ایرانی تبعید شده، زیرک است که اکنون در یک آپارتمان مجلل شیکاگو زندگی میکند، در رام آزادی طبقه کارگر

[www.peykan.org](http://www.peykan.org)

شیک پوش ترین مردان دنیا ( حداقل ۳۹۲ کند لیاس او-در یک آتش سوزی که در منزل قلی اش در نیویورک اتفاق افتاد از بین رفت - معتقدند که این آتش سوزی کار مأمورین ایرانی بود ) . واز همه بالاتر، رئیس ایل بختیاری در جنوب ایران است . خیرخان همچنین رئیس افخاری میهن پرستان متعدد التخواه است ، اتفاقی که معرف تقریباً پنج میلیون اعضاً قبایلی است که سابقاً مالکیت زمینهای نفی نجنوب ایران را در دست داشتند . او در این سمت همواره درسازمان ملّ و مجتمع دیگر پشاه دشمن کیه دارن حظه میکند .

محمد رضا شاه پهلوی حکمران بظاهر مودی است که خواتندگان تابلوئیدها اورابعنوان شوهر سابق ملکه زیبا ، ثریا ، بخوبی شناسند . او پسر رضا شاه پهلوی است که وی زندگی اش را از مهتری شروع کرده و سپس بعنوان درجه دار ارتش فراق ها خدمت نمود . وقتی که اودرفن سریازی مهارت پیدا کرد ، بارسیسه و بازی باقدرت بجایی رسید که توانست ارتش را تحت کنترل خود درآورده و خود را به تخت شاهی برساند . هنوز چند صباحی از سلطنتش نگذشته بود که در سال ۱۹۳۲ چشمهاي طمع کار خود را به جنوب ایران دوخت ، جائی که خانهای قبائل حاکم معاملات جد اگانه با کمپانیهای نفی خارجی انجام داده و برای انعامهای از نفت کم کم ثروتمند میشدند . رضا پهلوی با یک ارتش باتجا رفت و اعلام

۱ - تابلوئید به روزنامههای باقطع کوچک گفته می شود که دارای عکسها متعدد است و مطالبه راتا آنچایی که بشود بصورت خلاصه و مهیج بیان میکند .

کوکه از این پس در آذهای نفت متعلق بحکومت مرکزی خواهد بود . پدر خسیر خان ، حاجی خان ، زیر بار این فرمان نرفت . او بسا بعضی دیگر از خانها که اعتراض کردند فوراً اعدام شدند و ازان پس در آذهای نفت از جنوب ایران بجیب شاه سرازیر شد .

رضا پهلوی هفده سال ( قبل از شباھی که بقیمت تاج و تختش تمام شد ) حکومت کرد . او که فریفته موقیتهای آلمان در روزهای اول جنگ بین الطل دوم شده بود با اظهار همدردی کاملاً آشکار نسبت به قدرتهای محور مرتکب اشتباہ بزرگ دیپلماتیک گردید . انگلیسها که نمی توانستند افتادن نفت سرشار ایران را بدست دشمن تحمل کنند با ارتضی وارد ایران شدند و نیروهای امریکا بعداً بین اشغال پیوستند . رضا پهلوی مجبور به کاره گیری شد و در برابر انجام نسبتاً بی در در سراینکار باو اجازه داده شد تاعونانش ، املاک و سیعی را که غصب کرده بود وثوقی را که گیسر آورد بود ، به پرسش شاه فعلی واکذار نماید ..

رؤیای روزولت : بنظر میرسد که از همان ابتدا متفقین ( بخصوص امریکائیها )

با این عقیده لفظان شده بودند که کسی عقب افتاده و فقر ژده ولی سرشمار از نفت ایران را میتوان بصورت کسوزی مدرن و نمایشگاه دنیای غرب درآورد . آنها به محمد رضا پهلوی چون فرد بر جسته سیستم سلطنتی مشروطه می نگریستند که میتواند بعنوان یک مرد جذاب پیش قراول بکار رود تا برکات دموکراسی و منافع سرمایه داری نوع غریب رابه قلمرو ایران باستان بشکاند . این تصور دریاد داشتی که پر زید نت فرانکلین د . روزولت پس از گرمای کفرانس تهران در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۴ برای کُرُول هول وزیر امور خارجه

## فرستاد چنین تکوین یافت :

ایران مسلمان یک ملت بسیار عقب افتاده است و در حقیقت از تعدادی قبائل تشکیل شده است . ۹۹ درصد جمعیت در رواجع تحت قیادت یک درصد دیگر غاربدارند . این ۹۹ درصد صاحب زمینهای خود نیستند و نمیتوانند تولیها خود را نگهدارند یا تبدیل به پول و دارائی خود کنند . این عقیده بیشتر در من نفوذ کرده است که ما از ایران نمونه ای بسازیم که میتوانیم بوسیله یک سیاست امریکائی غیر خود خواهانه بوجود آوریم . مانند میتوانیم نمونه ای رشوار اتر از ملت ایران انجام کیم .

با وجود این مایل به آزمایش زدن راه ایران دست بزنیم . مشکل واقعی پیدا کردن متخصصین مطلوب امریکائی است که به ایده آلهای خود وفادار بوده از نزاع در میان خود بپرهیزند و مطلقاً از نظر مالی درستکار باشند . اگر میتوانیم چنین خط مشی را آغاز کیم و آنطوریکه آرزو داریم در طول پنج یاده سال اول موفق بشود ، بصورت سیاستی داعی درخواهد آمد و ضمناً تمام تجربه مذکور برای مالیات دهندگان آمریکائی ، مبلغی بسیار ناچیز تمام خواهد شد .

این کار شروع شد و بلا فاصله با خطری که روزولت پیش بینی کرد بود مواجه گردید ، خطر پیدا کردن " متخصصین مطلوب آمریکائی " که بایده آلهای خوب وقادار بوده ... و مطلقاً از نظر مالی درستکار آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

باشدند " کمک نظامی و اقتصادی امریکا با ایران سازی شد اما تنها چیزی که انجام داد ایجاد یک حکومت پلیسی بود .

ارتشر دویست هزار نفری ایران که بین از نیروهای آلمان غربی یا زاپن است آلت دست شخص شاه شد تاکت توده بیسواند ، فقر زده و کاهی طفیانگر را تحت فرماندهی قرار دهد . در ۱۹۶۱ سنا تورهوبرت ۱ ج همفری با حالتی وحشت زده به مجله نیوزویک چنین خاطر نشان ساخت : " میدانید رئیس ارتش ایران بیکی از افراد ما چه گفت ؟ او اظهار داشت که هم اکون ارتش در اثر کمک امریکا در وضعیت خوبی قرار گرفته و توانایی سرکوب افراد غیر نظامی را دارد . این ارتش در نظر ندارد باروسها بجگد بلکه هدف جنگیدن با مردم ایران است " .

کمک اقتصادی آمریکا به عنین منوال حیف و میل شد . در ۱۹۵۲ کمیته مربوط به عطیات دولت مجلس نمایندگان کوشید تابعیین کند ۲۵۰ میلیون دلاری که بصورت کمک اقتصادی در عرض پنج سال با ایران داده شده بود کجا رفته است . بالاخره کمیته دریافت که بینتر آن برپارفته است . کمیته در گزارش بعدی خود نوشت که کمک ها آنچنان " گشاد و شلخته وار ونا مربوط " مصرف شده است که در حال حاضر با بکار بودن هر وقتی محال است بتوان گفت چه بر سر این پولها آمده است . کمیته همچنین دریافت که اعضاء امریکائی هیأت کمک با ایران که با ائتلاف غیر مسئول و نامریوط میلیونها دلار مخالفت کرده بودند ، تادیب شده یا بر چسب بی لیاقتی بانها زده شده است " . کمیته این چنین نتیجه‌گیری کرد که ایران با بین از سیصد میلیون دلار حق الامتیاز سالانه نفت ، آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

واقعاً نبایستی بکمک آمریکا احتیاج داشته باشد . درآمد نفت اگر بصرف پروژه ها ای توسعه و آبادانی ( طبق موافقنامه های ما با ایران فراهم شده است ) برسد ، خود به تنهایی کافی خواهد بود که معجزه کند . در رابر فعالیتیهای مخفی مأموران خسیر خان ، اکنون راز حیف و میل نفت و میلیونها دلار کمک آمریکا میتواند تا حد ودی روشن شود . میهن پرستان متعدد التخواه در سال ۱۹۵۱ تشکیل گردید و خسیرخان از همان ابتداء ( گرچه بطور پنهانی ) آنرا رهبری میکرد . وی برای چند سالی در واخر دهه ۱۹۵۰ مورد الطاف محمد رضا شاه پهلوی بود ولی در تمام این دهه بتصدیق خود او هدف نهایی اینکه درست کم بدست آوردن مجدر درآمد نفت جنوب ایران بنفع قبائل ساکن آنجا بود ، هرگز از تظییش محروم نشد . بدون اطلاع شاه ، مأموران جاسوسی خسیرخان بختیاری و قبائل همکار دیگر موقعیت های قابل اعتمادی در بین کارمندان کاخ و در بین دوائر اداری بدست آوردند . کثر چیزی بدون توجه ارزیزدستشان میگذشت و گزارش آنها بخسیر خان ، مفصل و اغلب مستند با عکس بود . درنتیجه این گزارشات ، خسیر خان متهم کرد که صدها میلیون دلار بطور منظم از خزانه ملی ایران بحساب های بنیاد پهلوی ریخته شده است . بنیاد دارای حساب بانکی شماره  $\$ ۲۰ - ۲۱۴۸۹۵$  در اتحادیه بانک سویس در زنگ میباشد . واز این حساب است که چکهای میلیون دلاری برای اعضاء خاندان سلطنتی ، مأموران مهم قصر شاه ، ملتزمن و دیگران کشیده شده است .

نتیجه برای دنیا واضح شده بود ، امدادست داشتن خانواره پهلوی در

آن هنوز روش نبود . آمریکائیها با هرزگی سر سختانه ای استدلال میکردند شاه از این رو که مشی ضد کمونیستی شدیدی را دنبال میکند بایستی بعنوان نماینده ستبر جهان آزاد دربرابر لژیون شیطان باقی بماند .

البته این یک واقعیت غیر قابل انکاری بود که رئیس پلیس مخفی ایران یک خانه بزرگ و مجلل برای خود تقریبا درساختمه کاخ شاه ساخته بود . واين غیر قابل انکار بود که تمام شهران درباره زنزال علی کیا یا رئیس جاسوسی ارتش ، که یک رشته آپارتمانهای مجلل در تهران بنا کرده بود ، جوک میگفتند و تهرانی ها آنها را ساختمان " از کجا آورده ای " می نامیدند ، اما استدلال منطقی ( درقبال این حقایق ) اینطور ادامه داشت که این کارها یک نوع بیماری بوعی در ایران است . شاه آدم خوبی است و صرفا وارث یک زندگی طی است و او بادست تنها نمی تواند یکسبه آنرا تغییر دهد .

### تئورم و تئیورور

سیل عظیم میلیونها دلار آمریکائی تئورم غیر قابل کنترلی را در ایران بوجود آورده بود ، در حالیکه به معلمین فقط ۲۵ دلار ( ۱۸۷۵ ریال ) در ماه پرداخت میشد ، و چه های کوچک با ساعتها کارسخت در کارگاههای فرش بافی روزی ۶۰ سنت ( ۱۵ ریال ) یا کمتر میگرفتند و گاه تمامی اعضاء یک خانواره با محصول یک درخت گرد و زندگی میکردند . چنین شرایطی شورشیای متداولی را درخود می پیغام بروزای طبقه کارگران ای انسنگاه ارسپیو استاد سارمان پیغام بروزای طبقه کارگران

تهران در آن موقع به عنوان مخالفت قد علم کردند و به دنبال اعتراضات آنها سرکنی وحشیانهای بیان آمد . در اکبر ۱۹۵۴ سریازان بکلاسها درس ریختند ، دانشجویان را کلک زدند ، عده‌ای رابه مسلسل بستند ، سه نفر راکشند و تعدادی را زخمی کردند . بدتر از آن بیرونی های ژانویه ۱۹۶۲ بود . دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه در استعفانامه خود جوابیان ماقع راچنین تشریح میکد :

”سریازان و کامانزوها پس از ورود ( بدانشگاه ) به پسران و دختران بدون استثناء حطه کردند . . . بسیاری از دانشجویان را تاصر حد مرگ کلک زدند . من هرگز این همه ظلم ، سادیسم ، بیرونی و دشمنی با علم و صنعت را از طرف نیروهای دولتی ندیده یانشنبیده ام . تعدادی از دختران در کلاسهای درس بطرز جنایت کارانسی ای توسط سریازان مورد حطه قرار گرفتند .

هنگامیکه ساختمانهای دانشگاه را بررسی میکردیم ، با وضعیتی مواجه شدیم که گوئی ارتقی از بربرها سرزینی دشمن را مورد تاخت و تاز قرارداره بود .

کابها پاره پاره ، قفسه ها شکسته ، ماشینهای تحریر خرد شده ، وسائل آزمایشگاه نزدیده یا نابود شدند . میزها ، صندلیها ، درها ، پنجوه ها و بیوارها توسط سریازانی که با دانشجویان بی سلاح و بدون میانجیگری افسرانشان می جنگیدند ازین رفتند .

حتی بیمارستان دانشگاه از شر سربازان درامان نماند .  
تعداد زیادی از پرستاران و بیماران یا کانک خوردند با  
زخمی شدند . . . .

رئیس دانشگاه و کمیته رئیسای دانشکده ها بعنوان اعتراض دانشگاه را  
ترک کردند ، ولی هیچیک از آینها تأثیری بر تصور ما غیری ها نسبت  
به محمد رضا شاه پهلوی نداشت . او هنوز هم برای جلوگیری از جزر  
و مد تهدید آمیز کوئی نیست ، "بچه ما" بود . هیچیک از حوارشی  
که در ایران اتفاق افتاد ، نه حیف و میل مردمانه کمکهای خارجی و نه  
ددمنشی ارتش شاه در رفتار با مردمش ، تأثیر یا تغییری در تصویر  
ناوازشگرانه ما از شاه نداد .

این خود فریضی درین اعتنایی به حقایق ، به محمد رضا شاه پهلوی  
( علیغم نارضایتی دانشگاه تهران ) قدرت داد تا طرح ضربه بسی  
رحمانه شدیدی را برپزد . در درای طرحش استدلالی شبیه باین در  
جریان بود :

همچنانکه هر کسی میتواند ببیند ، شرایط در ایران تقریبا بیست سال  
پس از رؤیای روزولت ، دقیقاً ایده آل نیست . برای این فقط یک  
دلیل ساده وجود داشت : ایران باندازه کافی کمک امریکا را دریافت  
نکرد . اهمیت ایران بعنوان سپری برای جهان آزار بایستی به آمریکا  
تفهم شود . بایستی با مردمیا فهماند که چقدر ( درگذشته ) خسیس  
بوده است . کمک اقتصادی اگر بناست به هدفهایش برسد ، من بایستی  
بدو برابر افزایش یابد . فقط با برداشتن چنین کامهایی ، ما میتوانیم

نتایج واقعی و پایداری در ایران بدست آورید.  
شاه، سرشار از رویای دریافت فاقاً لی لی تمام نشدنی، طرح بازدید  
آوریل ۱۹۶۲ از آمریکا را بیخت تا شخصاً از پرزیدنت جان اف. کندی  
تغاضای کم بیشتر و همه جانبه‌ای را بایران بنماید. برای آمادگی  
جهت ناخت و تاز علیه منافع فورت. ناکس (۱)، پول سیل آسا از  
وجهه ۲۸۰,۰۰۰ دلاری بندیار پهلوی سازیز شد و طبله‌ای تبلیغاتی  
بصادر آمد.

### گاو صندوق شاه

این بود زمینه ماجرا و وضعیت تهران در صبحگاه ششم فوریه ۱۹۶۲ که  
ماموران خیرخان بارامی از درون سالنهای کاخ سلطنتی به دفترهای  
مخصوص شاه رخنه کردند. آنها به موقعیت «خوب آشنا» راشتند زیرا  
قبل از پطور پنهانی، بارها آنجا را زیر پا گذاشته بودند. در دفترهای  
سلطنتی، یک گاو صندوق بود و در آن دسته ای چک که در ۴۲ سا  
گذشته کشیده شده بود. ماموران که شماره «رمز قلر» میدانستند،  
بسرعت آنرا گرداندند. در صندوق را باز کرده و دسته‌های چک را  
برداشتند. یک ماشین مدرن فتوکی سهل الاستعمال برای استفاده در  
اختیارشان بود. از چکها یکی یک فتوکی گرفته شد و مجدد از در صندوق  
آهنه گذاشته شدند. صبح وقتی که کارها دوباره آغاز می‌شد، فتوکی  
چکها در راه خود بسوی خیرخان بودند.

اینست فهرست چکهایی که توسط ماموران ساعی خیرخان دریکی از آن

## شبها فتو کی شدند :

یک میلیون دلار	خانم لوی هندرسون
پیک میلیون دلار	شاهزاده شمس پهلوی
نیم میلیون دلار	درک . اف . میشل
یک میلیون دلار	آلن دالس
نیم میلیون دلار	هنری . اد . لاس
یک میلیون دلار	جرج . وی . آلن
دو میلیون دلار	شهناز پهلوی
۲۰۰ هزار دلار	ویلیام . ای . بُوک . جی آر
۲۰۰ هزار دلار	رندهلف . دی کینز . جی آر
۵۰۰ هزار دلار	شاهپور حمید رضا پهلوی
یک میلیون دلار	احمد شفیق
یک میلیون دلار	سلدین چاپین
یک میلیون دلار	زنزال محمد امیر خاتمی
یک میلیون دلار	آر.ای.بی.گوت
یک میلیون دلار	ت.طیبو. پا.سید
پانزده میلیون دلار	فرح پهلوی
دو میلیون دلار	شاهدخت فاطمه پهلوی
دو میلیون دلار	شاهپور عبد الرضا پهلوی
دو میلیون دلار	شاهپور غلام رضا پهلوی
پیک میلیون دلار	ویلیام . وارن

دو میلیون دلار	داوید راکفلر
یک میلیون دلار	شاپور محمود رضا پهلوی
نیم سیزده ریال	جعید حسید " پهلوی
نیم میلیون دلار	جمشید خبیر
یک میلیون دلار	ا. و . وست
۳ میلیون دلار	اردشیر زاده
یک میلیون دلار	دولاند لیز
یک میلیون دلار	تئو دود . مک وی
شاهدخت اشرف پهلوی پهلوی	۳ میلیون دلار
یک میلیون دلار	اسد الله علم
یک میلیون دلار	حسین علاء

بسیاری از اسامی این فهرست احتیاج به بررسی مفصل دارد . یک دسته بروزهای بحرانی ۱۹۵۳ مربوط میشود که سازمان جاسوسی مرکزی ( سی آی . ا ) کوتا کرد تا شاه را در قدرت نگهدارد . اشغال مدام نخت سلطنت توسط شاه از جانب نخست وزیر مقتدر او محمد مصدق ( مالک ثروتمندی که بنظر جهان غرب بطور لایحلی طرفدار اصلاحات اساسی شده بود ) مورد تهدید قرار گرفته بود . مصدق شرکت نفت را در اختیار گرفته وطنی کرد وصمم بود عواید آنرا برای استفاده مردم ایران بکار ببرد . این عمل گرچه منجر به درگیری کامل او با کسریوم نفت غرب شد ولی او را محبوب میلیونها ایرانی فقیر کرد .

محبوبیت طرفداران مصدق طوری شد که شاه وحشت زده از تخفیف فرار کرده و عازم جای امن در سوییں شد . در آنجا آینده اش در دست آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دسته بندی کوچکی قرار داشت که مصمم به سرنگون کردن مصدقی بودند . با ریختن میلیونها دلار پول بی حد و حساب توسط سیا ، کودتا موفق شد و شاه مجددا به تخت سلطنت برگردانده شد . عقلکهای که اعتباری باین پیشترفت دارند؛ عبارت بودند از:لوی هندرسون ( سفیر وقت در ایران ) ، آلن دالس ( رئیس جدید سیا در آن زمان) و شاهدخت اشرف ، سبزه<sup>۱</sup> قوى الاراده ، خواهر دولتلوی شاه و مادران نهادی ایران . بعضی از اسامی دیگری که در چکهای بنیاد پهلوی ظاهر شده است ، آنا غابل تشخیص هستند . هنری آر. لاس ، ناشر وقت ( مجلات ) نایم ، لایف و فورچون . جرج . وی . آلن ، دیبلمات کهنه کار و شخصی خاورمیانه ، سفیر اسبق امریکا در ایران ، آسیستان پیشین وزیر امور خارجه و مری که درسیاری از مواد ببروی روسای جمهوری نفوذ داشت . سلوین چپین که تا قبل از مگن سفیر آمریکا در ایران بود . ویلیام . ای . وارن که از جانب تروم بایران فرستاده شدتا مسئولیت اصلی برنامه کمک اصل چهار را بعهده بگیرد و تا سال ۱۹۵۵ در زمان آیینه باور در آنچا ماند و بهنگام ترک ایران ، شاه او را مفتخر بدربیافت نشان سلطنتی ایران نمود .

در این فهرست اسامی انگلیسی هم نظیر اسامی امریکائیها موجود است . بر جسته ترین آنها عبارتند از: آر. ای . بی گوت ، دریاسالار انگلیسی که یک ناوگان را در خاورمیانه فرماندهی میکرد و ت . دبلیو . پایپر ،<sup>۲</sup> نه معافون مارشال نیروی هوایی بریتانیا و فرمانده سیروی هوایی سلطنتی خاورمیانه از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲

در بین ایرانیانی که از بذل و مخشن بنیاد پهلوی بهره ور شدند ، اسمی خاندان پهلوی طبعاً غلبه دارند . فرج پهلوی <sup>که</sup> جانشین شریاو مادر وارث بسیار محیوب ناج و تخت شاه میباشد ، پاداش پاتزده میلیون دلاری <sup>ش</sup> در راس همه قرار گرفته است . شاهدخت اشرف با سه میلیون دلارش بعد از او قرار دارد . سپس دو نفر دیگر از اعضای خانواده پهلوی هستند که اسمی آنها در جریان پولهای خیرخان و در پرونده داد خواهی که هم اکنون در مرحله پیچایی دادرسی در دیوان عالی نیویورک است ، بطور مشخص نمایان است . یکی شاهدخت فاطمه پهلوی ، خواهر دیگر شاه است که دو میلیون دلار دریافت داشت و دیگری برادر شاه ، محمود رضا پهلوی است که یک میلیون دلار گرفت . محمود شاهدخت اشرف ، کیه چکها را بعنوان سرپرست بنیاد پهلوی امضا کردند . شخص برجسته دیگری که اسمش در میان سایر ایرانیانیکه سهمی از جایزه بنیاد داشتند بچشم میخورد ، علی امنی نخست وزیر ایران است . اینی که در ژوئن ۱۹۶۲ استعفا داد ، بتلور وسیعی در روزنامه های آمریکائی بعنوان نخست وزیر اصلاح طلبی که میخواست بفسار در ایران خاتمه دهد ، معرفی میشد . معدالک اسمش روی چک دو میلیون دلاری صادر شده از طرف بنیاد پهلوی ظاهر شد . وجوده بنیاد پهلوی دائماً با سپرده های چندین میلیون دلاری عواید نفت ایران ، وجوده کمکهای امریکا و حتی اختلاسهای نظامی دوباره پرمیشد .

بعداز آنکه مأموران خیرخان این سری چکها را در کاخ سلطنتی فتو کی کردند ، تاکنون نظرهای زیاری راجع به هدفهای صدور این چکها اظهار

شده است . گفته میشود که دارن بعضی از چکها به بانک داران ، مثل دو میلیون دلار به داوید راکفلر ، امکان دارد برای سرمایه گذاریهای خصوصی بنیاد پهلوی بوده باشد و بانک داران فقط جنبه واسطه را بازی کرده اند . اسامی دیگر این فهرست بدون شک توضیحات دیگری دارند ، ولی و هر چه باشد چنین بنظر میآید که یک رشته حوادث مؤید ولایتغیر ثابت میکند که متمامات عالیترتبه آمریکائی در حقانیت مدرک عرضه شده توسط خیرخان شکنندارند و این هم نمونه هایی است از آن :

خیرخان در بیان حلسات اجرایی ماه مه وزوئن ۱۹۶۳ کمیته مک کلان که برای بررسی عطیات دولت تشکیل شده بود ، بطور مفصل گواهی داد . تقریباً دو سال از آن تاریخ گذشته است ، دو سال برای مطالعه و تحقیق ، که در این مدت چنانچه اطلاعات عرضه شده قلابی می بود ، میتوان گفت یقیناً آشکار میشد . در عرض ، مدارک فتوکپی شده او با تاریخ پراختهای کمک بایران در مدارک خزانه داری مقابله شد و مقایسه نشان داد که در موارد متعددی ، بدنبال چکهای چندین میلیون دلاری ( آمریکا ) بایران بسرعت چندین میلیون دلار بحساب بنیاد پهلوی گذاشته شده است . بازرسان کمیته مک کلان و گروههای از اداره حسا . بداری عمومی آمریکا بایران فرستاده شدند تا سعی کنند مدرسه ها و بیمارستانهای را که برای ساختن آنها وجهی اختصاصی تعیین شده بود ، پیدا کنند . چنین ساختمانهای اصلاً وجود نداشت . پاسخ مقامات ایرانی این بود " خیلی مناسفم . در حقیقت ما در چار زلزله های شدید شدیم که پروره های شما را نابود کرد . " .

مک کلان در آخرین گزارش خود به سنا ( آمریکا ) نوشت : "فعالیت تحقیقاتی مقدماتی قابل ملاحظه ای درباره این موضوع بعمل آمده است . ماقصد داریم دادرسی را تا آنجا که شاهدی درسترس داریم تعقیب کیم . تاریخی برای دادرسی هنوز تعیین نشده است .

شواهد تهیه شده بوسیله خیر خان ، هم اکون توسط هیئت منصفه درالناحیه جنوبی نیویورک درحال بررسی است . خیر خان و تعدادی از هندستان او ، بتفصیل در مقابل هیئت منصفه شهادت داده وبطور عده گزارشاتی را که به کمیته مک کلان داده بودند تکرار کردند . افشاگریهای خیر خان در اواخر دسامبر به نظر پژوهیدن لیندن . بسی . جانسون ، توسط یکی از نزدیکترین مشاورانش ، اب . فورتاس وکیل دعای واشنگتن رسید .

از آن موقع تا حال این پیشترفتها ظاهرا مهم اتفاق افتاده است : سفیر آمریکا در ایران از سمت خود بر کار نده است . سفیر ایران در واشنگن فرا خوانده شده است . در سال گذشته تمام کمکهای اقتصادی ( غیر نظامی ) بایران قطع شده و در هیچ یک از بیانیه های وزارت امور خارجه یا سایر مؤسسات مربوطه از کمک خارجی به ایران ذکری بیان نیامده است .

چنین مشیت نمونه خروار ، میین آنست که مدارک عرضه شده توسط خیر خان بررسی شده و معتبر شناخته شده است . چگونگی وقوع این جریان ووفاداری غیر قابل انکار وزارت امور خارجه به قضیه شاه ایران ، داستانی سحر آمیز از دسایس بین الطلی میسازد .

۲ - خیر خان هشت ساله بود که پدرش ، حاجی خان ، توسط رضا پهلوی اعدام گردید . اگر خود اوهم توسط یک زن و شوهر انگلیسی که برای شرکت نفت در ایران کار میکردند ، بخارج از کشور برده نشده بود جانش تلف میشد ( گفته میشود حدود ده هزار نفر ایرانی با بدست گرفتن قدرت بوسیله رضا شاه کشته شده اند ) . این زوج ، خانم و آنای آندره اسماعیلی ، به خیر خان نام گورزیان دادند تا توجه پلیس مخفی ایران را ز جویان منحرف کند و او را با خود به آبردین اسکاتلند بردند .

**خیر خان** ، در اسکاتلند تحصیل کرد و در ۱۹۴۱ ، وقتی خانواره اسما برای کار در شرکت نفت بایران باز گشتد او هم با آنها بایران رفت و در آنجا وارد یک مدرسه شبانه روزی گردید . در ۱۹۴۴ ، که هنوز بیست سال نداشت به سرویس جاسوسی نظامی بریتانیا پیوست و روابط خود را با مردم قبیله بختیاری این رویاره برقرار ساخت . در خلال اشغال ایران توسط آمریکا و انگلیس در زمان جنگ ( بین الطل دوم ) «بعنوان رابط بین نیروهای متحدهین و قبائل مذکور عمل میکرد .

به خاطر خدمتش بوسی پاداش داده شد و در سال ۱۹۴۸ عنوانش به او باز گردانده شد . او در کار حمل و نقل ، با اداره کردن تعدادی تاکسی و کامیون و راه اندختن یاک تعمیر گاه برای خود جای پائی باز کرد و بهزودی صاحب دویست و پنجاه دستگاه ماشین شد . وی برای شرکت نفت ایران و انگلیس کار میکرد و روابط نزدیک با میسیون های مختلف آمریکائی و انگلیسی برقرار نمود .

همرنگ جماعت شدن : این روابط ، وقایه مصدق بقدرت رسید ، باعث

شد که مورد سو ظن قرار گیرد . یک کارد مسلح اطراف خانه اش را در جنوب ایران محاصره کرد و باو اجازه ورود بآن داده نشد . او اجازه گرفت بنهران برود و در آنجا طبق گواهی خودش ، " مامورین سفارت انگلیس مرا به ویلیام . ای . وارن ، رئیس اصل چهار معرفی کردند " .

نقش خیر خان در کوتایی که منجر به برکاری مصدق شد کاملاً روشی نیست ولی دلالتی وجود دارد که او کم کرده است . در هر صورت وقتی محمد رضا شاه پهلوی از ایتالیا برگشت ، او و خیر خان بیک یگر معرفی شدند . این اولین ریدار آنها بود . خیر خان همانطور که بعداً تصدیق میکند ، این حقیقت را که پدر شاه پدرش را اعدام کرده بود ، مطرح نکرد و نمیتوانست که شاه از این موضوع باخبر است یانه . در هر صورت فایده ای در مطرح کردن داستان گذشته وجود نداشت و بهتر بود که از هر طرف که باد بباید او هم برود . برای مدشی هم باد کاملاً مساعدی می وزید . شاه بعنوان نشانه لطف شاهانه ، به خیر خان اجازه استفاده ازویلائی در زمینهای کاخ را داد و قول داد که برنامه ای برای بهبود شرایط زندگ مردم قبائل تنظیم شود .

تا چندین سال روابط خیر خان و شاه دوستانه بود . خیر خان همیشه دارای روحیه ای شار بود ، مسافت زیاد میکرد ، مدام بین ایران و انگلیس و آمریکا رفت و آمد میکرد ، زیاد گذبازی میکرد و همه جا بعنوان ورزشکار معروف بود ، شهرتی که بیشتر او را بدام منافع شاه میاند اخت ۹۵۷ در خیر خان در سفری به ایالات متحده آمریکا در فلا شینگ لانگ آیلند اقامت داشت که عبدالحسین ابتهاج به ریدار او آمد . ابتهاج معمولاً

بعنوان برجسته ترین اقتصاد دان ایران معروف بود و ریاست سازمان برنامه را که یک مؤسسه ایرانی بود و از طریق آن کمکهای مالی آمریکا صرف پروژه های ایران میشد ، بعده داشت . ابتهاج به خیرخان پیشنهاد کرد تابه سازمان شاهنشاهی ورزش که یکی از پروژه های مورد علاقه شاه بود به پیوند و توضیح داد که سازمان اخیر قدردار تعددی میدانهای ورزشی در ایران ، با کمک مالی آمریکا . ایجاد کرد . هدف آن عبارت است از بهبود سلامتی و شرافت بدنش مردم ایران از طریق برنامه های وسیع ورزشی از نوع غیری .

خیرخان با ایران برگشت وراجع به این پیشنهاد با شاه مذاکره کرد . شاه موافقت کرد ، یک قطعه از زمینهای دولتی واقع بین کاخ نابستانی و زمستانی در تهران را برای ایجاد یک میدان عظیم ورزشی اختصاص دهد و خیرخان که تحت تأثیر این پشتیبانی قرار گرفته بود دست بکار طرح شد . برآورده از قیمت زمین بعمل آمد ورقی بین ۵۰ هزار میلیون دلار اعلام شد . این مسلم رقم مهی بود و طولی نکشید که این فکر بذهن افرادی چند رسوخ کرد که چنین مبلغی برای چیزی باشیم بعنوان ورزشی تاحدی زیاد است .

### شاهدخت عصیانی

بطوری که خیرخان در شهادت اخیر خود در دیوان عالی نیویورک توضیح دارد ، شوهر شاهدخت اشرف که اسمش چاریک بود پیش او آمد و گفت : " من قصد دارم مقداری از این زمین را بردارم و توهمندی میتوانی مقداری ( برای خود ) برداری ". سازمان هتل های هیلتون اتفاقاً زمین را میخواست و پیشنهاد ارشیو استناد سازمان پیکار در راه ازادی طبقه کارکر

کرده بود که آنرا بعدت ۲۵ سال اجاره کرده و در آن یک هتل شیک و مدرن بسازد . خیرخان از اینکه زمینی را که به برنامه ورزش اختصاص داده شده بود ، ازش میگرفتند عصبانی شدو تهدید کرد که به شاه رسما اعتراض خواهد کرد . چاویک که رئیس و خزانه دار سازمان شاهنشاهی بود ، گفت : " به شاه کاری نداشته باش ، این بین من و توست " و اضافه کرد : " خلاصه بہت میگویم اگر لست میخواهد در این معامله شریک باشی می بایستی با ما همکاری کن " .

بقول خیرخان ، دعوا از آنجائی شروع شد که در آن فحش و اهانت آزادانه رد ویدل میشد . خیرخان با حالتی گرفته و عصبانی به ویلای خود رفت ( این ویلا را شاه در اختیار او برای استفاده گذاشته بود و او کرایه اش را می پرداخت ) و در آنجا داشت آنچه را که اتفاق افتاده بود برای نوکرهای خود بازگو میکرد که یک افسر با یونیفورم در زد و " دعوتنامه " ای باو داد که فرما به کاخ رفته و شاهدخت اشرف را ملاقات کند . " دعوتنامه " همراه با یک ستون شش نفری سریاز بود که آماده بودن او نزد اشرف بودند . خیرخان چاره ای نداشت و درحالیکه گارد پشت سریز بود ، بکاخ رفت . در آنجا چاویک باو سلام داد و با خوشروی ولبخند باهم دست دادند ، سپس خیرخان بانتظار نشست . مدت نیم ساعت منتظر ماند تا شاهدخت اشرف ظاهرشد . اصلاً لبخند روی

لبش نبود . خیرخان جویان را بترتیبزیر شرح داد :

او ( اشرف ) گفت : " شما اولین کسی هستید که بیک عضو خاندان سلطنتی توهین کرده اید " . من ( خیرخان ) گفت : " من باو توهین نکرد " .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

گذشته از این او عضو خاندان سلطنتی نیست". او گفت: "میدانی او شوهر من است".

من گفتم: "میدانم، ولی از طرزی که او بامن صحبت کرد، از طرزی که داد سر من زد... خوش نمی‌آید".

سپس او گفت: "بهتر است بروی واژ او معذرت بخواهی، بهتر است این کار را بکن". او آنجا را ترک کدو من هم بیرون رفتم.

حالا همه میخواستند برای رفع این کورت میانجیگری کنند. زن ابتهاج به خیر خان التعا رسید که این کار را با کاخ آشنا کند. او میگفت در غیر اینصورت مسائل برای همه ما مشکل خواهد شد. هری بدن در سفارت آمریکا کمک کرد تا جریان آشنا را به انجام رساند. سرانجام چاویک با خیر خان دست دارد و قول دارد که زمین مذکور برای عتل گرفته نخواهد شد و خیر خان یکی از چهار نماینده مسئول پرورش های ورزشی گردید. تا مدتی همه از این جریان خوشحال بودند، اما این دیری نپائید.

### ماشین مخصوص

خیر خان به خرت ویرت ها و محصولات بزرگ و درخشنان ماتریالیسم غرب شیفتگی خاص ایرانی دارد. افتخار زندگی اش یک کاریلاک الدوراد وی درخششندۀ ای بود که بطرز خاصی آنرا مجهز کرده باشتنی با ایران فرستاد بود. این ماشین بزرگ، دارای قسمتهای مخفی گیرنده بوده، هر نوع نجواتی را اخذ و با یک دستگاه ضبط صوت مخفی شده ضبط مینمود.

خیلی از ایرانیها، منجمله شاه، هرینه که چنینی از این وسائل داخل

ماشین نمی داشتند ، فریته آن الدورادوی کرم رنگ براق بودند .  
یک روز ابتهاج که با خیرخان دوست شده بود ، از او خواست تا  
ماشین اش را باو راده تا با آن به قصر ( شاه ) برود . خیرخان  
طبعاً با اجازه راده آنرا ببردوی همانطور که بعداً تصدیق کرد ،  
مرتکب یک انتباہ بزرگ شد : " من فراموش کردم دستگاه ضبط صوت را بر  
دارم " .

احتمالاً اینکار اهمیتی نداشت ، اما وقتیکه ابتهاج بکاخ رسید ، شاه که  
ردید او ماشین خیرخان را میراند ، با ابتهاج گفت : " من عجیشه دلم  
میخواسته که این ماشین را برآنم ، امروز از این ماشین من استفاده می  
کنم و تو میتوانی از ماشین من استفاده کنی " .  
ابتهاج مسلماً نمیتوانست مخالفت کند و بنابراین شاه ، خوشحال مثل بچه‌ای  
که اسباب بازی تازه یافته باشد ، الدورادوی خیرخان را با خود برد .  
ماشین چهار پنج ساعتی نزد او بود و حوادث بعدی ، نشان میدهد  
که درست مثل بچه‌ای با اسباب بازی جدید ، آن ماشین زیبا را  
از کت تا آتنن را بیوین معاینه کرد .

### خبر رسانی توسط پلیس

خیرخان تا آن شب نمیدانست که اوضاع به تیرگی کشیده شده است .  
او را شت با منشی خودش در راشگاه شبانه " کبه " شام میخورد که  
رئیس پلیس ، زنزال محمد دفتری وارد شد و منشی او را بالشاره فرا  
خواند . بعد از چند دقیقه صحبت ، خیرخان را صدا زدند . زنزال  
دفتری باو گفت : " اگر میخواهی در امن و آمان باشی بهتر است ایران  
ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

را ترک کنی . از ماشینت فهمیده اند که چکاره ای . شاه جریان را فهمیده است و اگر تا فردا نروی ؎ ترا بازداشت خواهند کرد . ”

خیر خان توضیح داد که دفتری مدتی بود ازتمن او در اتحادیه وطن پرستان عدالتخواه اطلاع داشت ، اما رفتار او دوستانه بود و سپاهی داشت و بگاخ خیر نداده بود . باین ترتیب خیر خان فهمید که وضع خراب است و همانشب با هوایپما از ایران خارج شد .

دو هفته بعد ابتهاج بازداشت شد . این اقدام تامدتها ناظران غرسی را که از جویان ضبط صوت در کارپلاک خیر خان اطلاع نداشتند ، دچار سرگیجه کرده بود . زیرا دفتری هم بزندان افتاد ، که بقول خیر خان هنوز زندانی است .

از آنجاییکه این افشاء ناگهانی ، او را مجبور به ترک ایران کرده بسون ، خیر خان فعالیتهای جاسوسی وسیع و مخفی خود را افزایش داد . قبل از ترک ایران ، تعداد زیادی از بختیاری های با هون و وفادار در کاخ شاه و کادر کارمندی رخنه کرده بودند . خیر خان ضمن شهادتش در دیوان عالی ( نیو یورک ) جریان را اینطور تعریف میکند :

” ... ما مهندس ، دکتر ، باغبان ، مستخدم و انباردار درستهای مختلف گذاشتیم .

همه افراد تحصیل کرده در محلهای مختلف و متعددی مشغول کار بودند ، تعداد زیادی از افراد کار را که در انگلستان تحصیل کرده بودند بعنوان منشی انتخاب کردیم . ”

خیر خان معاملاتی را دیده بود که بمنظرش عجیب میرسد . در مقام یکی

از مسئولان سازمان شاهنشاهی ورزش، به دفترهای حساب سازمان دست  
پافته مشاهده میکند که هفت میلیون دلار از صندوق مالی ورزش به  
بنیاد پهلوی انتقال پیدا کرده است . بخودش میگوید : " این بنیاد  
پهلوی چیست ؟ " ، " هفت میلیون دلار را برای چه گرفته است ؟ ".  
لذا به ماموران وفادار خود درکاخ دستور داده بود تاجریان را روشن  
کنند .

در نتیجه ، خیرخان و عطیات مخفیانه اش ، واریز و برداشت پول رادر  
حلب مخفی بنیاد پهلوی در بانک سویس دقیقا زیر نظر گرفت . ایس  
جاسوسی که سالیان دراز طول کشید ، بالاخره منجر به گرفتن فتو کی در  
کاخ شاه در صحنه ششم فوریه ۱۹۶۲ گردید .

۳ - خیبر خان در لندن بصر میبرد . وقتیکه فتو کی چکها را که بنام افراد برجسته ای صادر شده بود دریافت کرد ، پس از بازرسی مدارک ، با یک وکیل دعاوی انگلیس مشورت کرد . وکیل به خیبر خان گفت ، در حقیقت : " این کاملاً کافی نیست ، این مدرک نیست . آنچه این فتو کی ها نشان میدهند این است که چکها کسیده شده اند ولی نشان نمیدهند که آنها قبول و نقد شده اند . برای اینکه ارزش پیدا کنند باید چنین مدرکی را شته باشی . "

لذا خیبر خان به سازمان جاسوسی اش پیغام داد تا مراقبت دائم و نزدیکی از گردش چکها و بایکانی های دفاتر سلطنتی در تهران بعمل آورند .

با گذشت هفته ها و نزدیک شدن بازی پید تشریفاتی شاه از آمریکا ، چکهای بیشتری به اسم آمریکائی های سر شناس ، بشماره حساب بانکی بنیاد پهلوی در سویس صادر شد . در این چکها یک اختلاف وجود داشت : آنها برای مبلغ کمتری صادر شده بودند ، فقط شش رقمی نه هفت رقمی .

دو میهن دسته چکها در روم آوریل صادر شده بودند . اسماء و ارقام زیر در لیست بچشم می خورد :

ادوین . تورن (۱) ، نائب رئیس عالی رتبه مسئول امور فرست نیشنا ل سی تی بنک (۲) نیویورک درخاور میانه ، آفریقا و اروپا مبلغ ۰۰۰،۰۰۰ دلار

1-Edwin Thorne

2-First National City Bank

چارلز . ام . کاریدی (۱) ، منش سفارت آمریکا در ایران مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ دلار .

هوارد . دبیلیو . پیج (۲) ، معاون استاندار ایل نیو جرسی ، رئیس آرامکو و کمپانی تراس - اریسن پایپ لاین ( لوله های سراسری عربستان ) و رئیس بنیاد خاور نزدیک که زمانی مفتخر به نشان همایون درجه دواز جانب شاه شد ، مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ دلار .  
ادولف . ای . جویلر (۳) ، رئیس هیئت مدیره کمپانی تومسون - استاره مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ دلار .

لیل . جن . هیدن (۴) ، رئیس اجرایی بنیاد خاور نزدیک ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار .

جو . وارد . کی نر (۵) ، رئیس هیئت مدیره کمپانی بی . اف . گویرویچ ، عضو سابق هیئت ثبتیت مستعمره و نیز عضو گروههای مطالعات خارجی ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار .

هارولد . ای . گری (۶) ، معاون مدیر عامل بخش ماوراء بحر شرکت هواپیمایی پان آمریکن ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار .

جیمز . ال . تولیون (۷) ، مدیر عامل بانک آمریکا اینترنشنال ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار .

1-Charles M.Cariddi

2- Howard W.Page

3-Adolphe A.Juviler

4- Lyle J.Hayden

5-J.Ward Keener

6- Harold E.Gray

7-James L.Tollion

جرج . پارک هریست (۱) ، نائب رئیس استاندارد ایل کالیفرنیا و مدیر کمپانی آمریکن . اربین ابل و کمپانی ترانس اربین پایپ لاین ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ دلار .

گولند ای . درج (۲) ، نائب رئیس فلپس . ایچ گریوریش و رئیس هیئت مدیره بنیاد خاور نزدیک ، مفتخر به مقال همایونی در ۱۹۵۵ توسط شاه ، مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ دلار .

چک دیویس (۳) بتاریخ ۲۲ مه بود و بقیه چکها بتاریخ دوم آوریل داشتند ، یعنی درست ۹ روز قبل از ورود شاه بامريكا . اين بازدید نيمه آوريل ، بنظر ميرسيد که در واقع يك نوع آبروبيزی در تقسيم جريان وجهه بنیاد پهلوی نمایان ساخته است . قبل از اين تاریخ ، چکهاي فتو کي شده توسط مأموران مخفی خير خان در تهران ، برای تعداد زیادی از آمریکائیها صادر شده بود ، اما بعد از اين تاریخ ، چکها تقريبا منحصرا برای ايرانيها کشیده شده بود .

### شاه بامريكا پرواز می کند

يک توضیح احتمالی ممکن است این باشد که بازدید شاه با وجود سر و صدا و تبلیغات زیاد ، تا امید کننده بود . شاه و شهبانو فرج در ساعت چهار و چهل دقیقه ۱۱ آوریل ۱۹۶۲ ، با جت پان آمریکن به

1-George Parkhurst

2-Cleveland E.Dodge

3-Davis Check

فروگاه آیدل وايلد رسيده و مستقیما به محل اقامت خود در والدورف تاوز رفتند . صبح روز بعد به واسنگن پرواز کردند و در آنجا پرزيت کدی و بانو در تشریفات فروگاه با آنها خوش آمد گفتند . از شاه یعنوان فردی " خوشگ " و " درخور شاهی حتی در لباس تیره کار " توصیف شد . شاه با وقار در باره " ایده های جدید " پرزيت نست کدی و " شخصیت دینامیک " او صحبت کرد . پرزيت ( کدی ) در جواب ، " قرنها مبارزه طولانی ... مردم ایران را ... برای حفظ قلمرو ملی خود " ستد و به اهمیت ایران برای دنیای غرب تأکید کرد . بعد از ظهر، شاه تاج گشی در آرامگاه سریاز گنام گذاشت و آن شب او و شهبانو مهمنان عالیقدر پرزيت نست کدی و بانو در میهمانی شام رسمی کاخ سفید بودند .

در ورای زرق و برق این مطبوعیت های اجتماعی ، مقاصد جدی نهفته بود . عاملین مطبوعاتی که از طرف شاه پولهای هنگفتی دریافت کرده بودند ، برای ایجاد کدن زمینه ، طبله را بصدا درآوردند ، که ما بایستی کاربیشنتر برای ایران انجام دهیم . در نواامر قبل ، شاه در تهران با هریسن . ای . سالیز بُری نیویورک تایمز ، مصاحبه ای کرده و موقیتی را صراحتا در دو مطلب خلاصه کرده بود . درباره این دو مطلب چنان درنویشه های روزنامه نگاران آمریکائی سروصد ائی راه افتاد که گوش همه آنها شخصا بتاریگی بحضور شاه بار یافته بودند .

قولهای از شاه چنین بود :

" فکر میکم واضح است که اگر کشوری مانند ایران که در

بیست سال آینده چهل میلیون نفر جمعیت خواهد داشت  
بتواند به سطح زندگی همسان سطح زندگی اروپا نائل شود،  
رو عظیم آزادی برای جهان خواهد شد.

اگر ماموفق نشویم، اگر دوستانمان ما را درک نکرد و مکنی  
را که احتیاج داریم بمانکنند، چقدر بنفع کوئیس خواهد  
بود. اگر ما موفق نشویم، شکست تنها در ایران خواهد  
بود. ایران دارای مهمترین موقعیت استراتژیک است. ایران  
 محل پرش به خاور میانه و آفریقاست.

این تأکید در حقیقت میگفت: "از آن میلیونها دلارهایتان بیشتر با  
بدهید والا اگر مراقبت نکنید کوئیس ها ما را میگیرند."

جزئیات قایدی را که شاه در رویا داشت، در حقیقت بین از میلیونها  
دلار بود و سر به بیلیون میزد. مجلبه وال استریت جریان را بدین  
ترتیب بیان کرد:

"اگر چه شاه احتمالاً از بحث آشکار درباره کمک نظامی  
اجتناب خواهد کرد، اما انتظار میورد درخواست آشکار  
بزرگ برای کمک اقتصادی نماید. حرفش که اغلب درگذشته  
(هم) بیان شده، این خواهد بود که ایالات متحده  
آمریکا واقعیه جهان غرب باید دست بدست همداده کمک کنند  
تا ایران، درست در مقابل مرز روسیه، بصورت "نمایشگاهی"  
از آنجه که دنیای آزاد میتواند برای ملتهاشی که سر بر  
میآورند انجام دهد، درآید. بالآخر شاه خواستار یشتبهانی

سخاوتمندانه ایالات متحده برای سومین برنامه توسعه اقتصادی  
است، که بناسن دارمای سپتامبر شروع شود. این برنامه  
پنج سال و نیم طول خواهد کشید و تقریباً احتیاج بجهار  
و نیم بیلیون دلار برای سرمایه گذاری ملی و خصوصی دارد.  
از این پول ۵/۲ بیلیون دلار به هزینه های عمومی راهها،  
توسعه رودخانه، آبیاری و پرورش های مشابه اختصاص دارد  
که ۱/۱ بیلیون دلار آن از طرف دولت ایران ویقیه از  
طرف وام دهندگان خارجی، منطبقه ایالات متحده، بانک  
جهانی، آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه و زاین پرداخته  
میشود. متخصصین اینجا طرح رامطالعه کرده اند، برنا  
راد رچشم انداز وسیع چشمگیر دیده ولی از حیث جزئیات  
شمرمند است اظهار نظر، کویله... مقاله ای که  
باعث ناراحتی بعضی از قدرتهای ایالات متحده است،  
اینست که هر چند ایرانیها قول میدهند تقریباً تمام رآمد ها  
نقنی خود را در طول پنج سال آینده به برنامه جذب کنند  
دهند، ولی به چنین قول هایی درگذشته عمل نشده است.  
در عوض، درآمد های نفت که برای توسعه تخصیص یافته بود  
بسیار مخارج عمومی دولت سرازیر شده تا کم بود منظم احتیاجا  
بودجه را جبران کند.

### یک میلیون اینجا ویک میلیون آنجا

همانطور که مجله وال استریت در آن موقع پیش بینی کرد، پر زید نت گردی

پیشکار در راه ازادی طبقه کارکر

نتوانست با برنامه های شاه موافقت کند . با مهریانی و خشنودی، همدمی آمریکا را نسبت به ایران بیان نموده و مواظب بود که با مهمنان با کمال تواضع رفتار شود . اما وقتیکه بازدید تمام شد ، شاه بدون اینکه با آن چیزی که دنبالش بود ( قول کث بیلیون ها دلار امریکائی ) بایران برگشت . باوجود این شکست ، صدور چکها از چاه بی انتهای بنياد پهلوی همچنان ادامه داشت . یک چک یک میلیون دلاری بنام محمود منان برادر شاه ، در ماه فوریه کشیده شد . چک دیگری بعلغ نیم میلیون دلار در دوم آوریل ویک دیگر بعلغ یک میلیون دلار در ۲۶ مارس . نام والاحضرت اشرف که با چک ۳ میلیون دلاری ماه فوریه بسختی میتوان انتظار داشت که بشود او را برای همیشه ( قانع ) نگاهداشت ، در لیست چکهای ۲۶ ماه مارس با حواله یک میلیون دلار دیگر قرار گرفت . در تمام این مدت ، بدون اطلاع شاه ، مأموران خیرخان سرگرم فتو کی کوئن چکهای بودند که از دفاتر کاخ میگذشت . خیرخان هم درلنده فتو کی ها را یکی پس از دیگری دریافت میکرد . هنوز این مدارک کاملاً کافی نبود ، زیرا نشان نمیدارد که تمام گیرنده‌گان چکها که به دریافت آنها مفتخر شده بودند آنها را نقد کرده باشند .

ولی در اوائل زوئیه ۱۹۶۲ . مأموران خیرخان این رابطه مقتدر را پیشا کردند . اتحادیه بانک سویس در زنون، صورت حساب‌بانکی جامعی شامل معاملات مالی ششماهه بنياد پهلوی را تهیه ویکاخ در تهران فرستاد . این صورت حساب مفصل بود : به ترتیب ، اسم گیرنده و مبلغ چک در آن ذکر شده بود و مرحله مقادیر کسر شده را از موجودی اصلی

۵۵/۲۴۱، ۸۰۰، ۵۶ دلار، با نقد شدن چکها از حساب نشان میدار.  
مقادیر کسر شده با چکهای صادر شده رقیتاً تطبیق داشت.

این صورت حساب چیز دیگری را هم فاش نمیکرد، و آن منبع سپرده‌های چندین میلیون دلاری بود که بحساب اجازه میدار چکها را ببردازد.  
مثلاً نشان میدار که قسمتی از چکها ای سنگین پنجم فوریه با یک سپرده روازده میلیون دلاری شرکت ملی نفت ایران جبران شده است. در ۲۶ فوریه، مبلغ شش میلیون دلار از سازمان برنامه بحساب ریخته شده بود.  
اینها وجهه کمکهای امریکا بود.

در ۳۱ مارس، وزارت دارائی ایران (بخاطر داشته باشد که ماسالانه مبلغی بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون دلار برای ترمیم بودجه ایران بآهابکت میکرد) پنج میلیون دلار بحساب ریخته بود و در ۱۲ آوریل، سازمان شاهنشاهی ورزش، از همه سخاوتمندتر، ۷ میلیون دلار پرداخته بود.  
عملیات جاسوسی دراین موقع آنچنان بآرامی پیش میرفت که خیر خان تصمیم به ادامه آن گرفت و قیه مدت آن سال هم ماموران خیر خان جریان چکها را تعقیب میکردند. مدارک را که آنها جمع آوری کرد میوتد نشان میدار که تا چه حد خانواره پهلوی بخوبی بهره میبرد. در ۲۷ زوئیه ۱۹۶۲، اسم محمود رضا پهلوی برای یک میلیون دلار دیگر در لیست آمد و در ۱۵ اکتبر دوباره برابر یک میلیون دلار دیگر. در همین تاریخ اسم والاحضرت اشرف دریجک یک میلیون دلاری دیگری ظاهرشد.  
شهانو فرح که یک چک ۱۵ میلیون دلاری در فوریه بنامش کشیده شده بود، با چکی بعلیغ، میلیون دلار درینجام اکثیر و چک دیگری بعلیغ ۶ میلیون

دلار در ۱۴ دسامبر مورد لطف قرار گرفت . سپرده های حساب همانند برد اشتها از آن ، در نیمه دوم سال ، راستان جالیی را بین میکردند . در ۱۴ ژوئیه ، سازمان برنامه ۲ میلیون دلار پاس داد . در ۲۸ ژوئیه ، وزارت جنگ ( توجه داشته باشد که ما میلیونها دلار اضافه بصورت کمل نظامی بایران میدهیم ) ۶ میلیون دلار پرداخت . در اکبر نام شرکت ملی نفت ایران با اعانه کوچک ۸ میلیون دلاری دیگر بچشم میخورد . بطور خلاصه ، مدارک فتو کی شده نشان میدارد که تنها در سال ۱۹۶۲ ، مبلغ ۱۵۱ میلیون دلار از وجوه کمکهای آمریکا و درآمد نفت ایران ( این در آمدها قراربود که بصورت مکمل کمکهای آمریکا مصرف شود ) بحساب بانکی پنجیار پهلوی در سویس ریخته شد .

#### جست و خیسز در لندن

این مرحله از عملیات مخفی خیر خان نزدیک به اتمام بود . او میدانست که ملازمان شاه از بعضی از فعالیتهای او آگاه شده اند . در پائیز ۱۹۶۲ میلادی مأمورین خیر خان در تهران نامه ای را که از لندن بتاریخ ۲۶ سپتامبر با ذکر کمه " خصوصی و محترمانه " برای زنرال امیر خاتمی فرستاده شده بود ، بچنگ آورده وکشف کرند که مأموران ایرانی در لندن فعالیتهای خیر خان را از نزدیک تحت نظر دارند . در نامه چنین نوشته شده بود :

خیر خان هنوز در رُر چستر ( ۱ ) در طبقه بالای ما زندگی میکند . او همراه یک گروه ده دوازده نفری است که اطاقهای شماره ۸۲۰ ، ۸۲۱ ، ۸۲۲ ، ۸۲۳ ، ۳۴۱ ، ۳۴۳ و ۸۳۰ را اشغال کرده اند . در گروهی افزایی از خاورمیانه ، آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه از ازده

1-Dorchester

www.peykar.org

ایران و آمریکا وجود دارند . اجاره تخمینی روزانه هتل تنها حدود ۸۰ تا ۹۰ پوند است وطبق گزارش روزنامه او روزی بیش ازصد پوند صرف چیزهای دیگر نظیر باشگاهها شبانه وغیره میکند . دو مامور از اسکاتلند یارد ، بیست وچهار ساعته از او محافظت میکنند وسیار جای تعجب است که او تمام وقت از یک اتو مبلی رولزویس ها پلاک D.O.C استفاده میکند . مادر اینجا از سفارت بیانیه ای مبنی بر تقبیح خیر به مطبوعات دادیم ولی ظاهرا فایده ای نداشت و باید در فکر بعضی برنامه های مخرب دیگرانشیم این مراقبت ، خیر خان را مجبور کرد که بیشتر احتیاط کند ، لذا تصمیم گرفت عملیات فتوکیی کدن چکها را در تهران تعطیل کد . ولی قبل از آنکه باین کار اقام کد ، یک خبر نازه دیگر از تهران رسید . در اول زانویه ۱۹۶۳ همراه یک چک ۸ میلیون دلاری برای شهبانو فرج و یک چک یک میلیون دلاری دیگر برای والاحضرت اشرف ، چکهای وجود داشت که مسلمان از زمرة مدارک بین نظیر بانگی جیان است . این چکها بعلیغ یک میلیون دلار و هفت میلیون دلار کشیده شده و اسم گیرنده نداشت . قسمت <sup>۲</sup> بحواله کرد . خالی گذاشته شده بود و از قرار معلوم هر کس اتفاقا دستش باین نیکه گاغنهای میرسید میتوانست ۸ میلیون دلار را بجیب بزند .

اینکه چه افرادی چکها رانقد کردند و چگونه ۸ میلیون دلار پخش و پلا کردند و چه کسی آنرا بدست آورد ، یکی از جالبترین رازهای سراسر

داستان باقی میماند . قبل ازاینکه صورت حساب فعلی ششماده<sup>۱۰</sup> بانک از  
ژنو بباید ، خیرخان عملیات فتوکی کردن را تعطیل کرده بود . او  
نمیتواند مرحله آخر را مستند کند

۴- درین آخرین دسته چکهای فتوکی شده توسط مأموران خیرخان «دوجک وجو» راشت که هرگز کاری به بنیاد پهلوی نداشتند. این چکهایاند را ط ۱۹۶۳ از حساب سازمان شاهنشاهی ورزش کشیده شده بود. یکی از چکهای مبلغ ۵/۱ میلیون دلار برای شاهپور محمد رضا پهلوی بود و یکی بهمان مبلغ برای خواهرش والاحضرت فاطمه. مدتها بعد، مأموران خیرخان «نامه ای از شاهپور محمد رضا که بتاریخ ۱۹۶۳ برای اتحادیه بانک سویس، شماره ۸، کوچه رز، زنون» توشته شده بود فتوکی کردند. درین چنین توشته شده بود: «راجع به چک شماره ۲۰۰۶ که از حساب سازمان شاهنشاهی ورزش بتاریخ اول زانویه ۱۹۶۳، مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار کشیده شده است لطفاً این مبلغ را بحساب من بگارید». این مدرک و فتوکی آن چکها اهمیت خاص برای خیرخان داشت. ولی برای راه اند اختن برنامه ورزش شاهنشاهی، بطور اسرافانه ای از یول ها خود خرج کرده بود و مدارک نشان میدارد که با اموالی که بخشیده و مخارجی که از جیب پرداخته بود، مبلغ ۷/۲ میلیون دلار پیش پرداخت کرده بود. اکنون خیرخان برای بدست آوردن طلب خود، مبارزه ای را شروع کرده بود که منجر بجزیران دادن نیویورک درحال حاضر کرد. ادعای خیرخان توسط یک بنگاه در نیویورک با اسم «بنگاه جهانی ورزشی میدانی» (M) مطرح شد. این بنگاه را خود اتشکیل داده بود تاریخ اند اختن پروژه پیشنهاد شده ورزش در ایران کرد. حسابهای این بنگاه نشان میدارد خوجهای راکه خیرخان کرده بایران برگشته و مکاتبات زیادی بین او و نمایندگان شاه وجود داشت. در خلال تعقیب قانونی ادعای خود، خیرخان اقرار نامه رسمی از احمد چاویک دریافت میکند. چاویک مأمور سابق سازمان شاهنشاهی ورزش و شوهر والاحضرت اشرف است و کسی است که خیرخان با او برسر جریان زمینهای

پیشنهادی هیلتون درافتاد . این اقرارنامه که بتصدیق کنسولتکری ایران درزنو رسیده بود ، نه تنها برای خیرخان از لحاظ عدل قانونی برای دریافت ۲/۷ میلیون دلارش مهیم بود ، بلکه خود پشتوانه ای بود بر صحت مد ارکی که مأموران مخفی او از دفترهای اداری کاخ فرستاده بودند . نامه چنین بود :

کواهی میشود که کلیه مد ارک مربوط به پروژه های ورزشی در اختیار خیرخان که حاوی امضای من است ، قانونی هستند و من این عدل را به فرمان اعلیحضرت شاهنشاه انجام دادم . طبق دستور جناب آقای حسین علاء من از حساب پروژه های ورزشی ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ دلاریه بنیاد پهلوی ایران ، ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ دلاریه والاحضرت محمود رضاپهلوی و ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ دلاریه والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی انتقال دادم .

### چکهای بسی محل

خیرخان که با این نوع مد ارک روحیه اش تقویت شده بود ، نا مدتی بمنظور میآمد که نزد یک بتوافق با خاندان سلطنتی ایران است . در بیستم مارس ۱۹۶۳ ، زیرال محمد امیر خاتمی ، شوهر والاحضرت فاطمه نامه ای به راکوب . ال . وارم براند (۱) ، رئیس بنگاه جهانی ورزشیان میدانی نوشت ، در این نامه شوهر والاحضرت رسید حسابهای بانکی ، صورت حسابهای اسناد هزینه و چکهای باطله خیرخان را اعلام کرد و سپس نوشت :

” طبق درخواست شما برای پرداخت بدھی از طریق یک

بانک آمریکاییو ، بضمیمه چک پیشماره در ۱۴۲۴ آزمورخه طبله مارس

۱۹۶۳ بحساب رسمی نشانال بنک آف بورلی هیلز، لوس آنجلس، کالیفرنیا،  
بمبلغ ۱,۲۵,۰۰۰ دلار ایامضاً والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی وچک  
شماره ۱۹۶۳ مورخه ۲۸ مارس ۱۹۶۳ در حساب همان پانک بمبلغ ۱,۲۵,۰۰۰ دلار  
دلالای ایامضاً والاحضرت شاهیور محمود رضا پهلوی که مجموعاً بمبلغ ۱,۵۰,۰۰۰ دلار  
میشود، طبق دستور اعلیحضرت شاهنشاه جهت پرداخت مخارجی که برای پرواز  
وزشی نااول مارس ۱۹۶۳ اید اخت کرد، اید بنام سعاصاد رکرد ید.

بعنوان معتبرده باید یادآور شد که خیرخان دلیل خوبی برای شناختن  
این پانک نسبتاً گفتم بورلی هیلز (بعنوان کاتال مظلوب برای پولهای  
ایران) داشت. چندی قبل از آن مأموران شاه سعی کرده بودند  
تا منشی خیرخان، مریم کوشان را تطییع نمایند. یک چک ۶رتنی  
حساب همین سی تی نشانال بنک بورلی هیلز برای مریم کوشان کشیده  
بشهده بود تا بلکه خیرخان را لو دهد. او چک را گرفت ولی هرگز  
آنرا نقد نکرد. در عوzen او چک را به خیرخان بعنوان مدرک روشن  
از تاکتیکهای دشمنانش تسلیم کرد. فتو کی، چک، برک برنده ای درین  
دانشجویان مخالف دراین کشور شد. بنابراین خیرخان که با دریافت  
آن دو چک ۲/۵ میلیون دلاری دلیل خوبی داشت که باور گردید  
اختلافات مالی این را با خاندان سلطنتی حل کرده، ولی بزودی از  
اشتباه بیرون آمد. وقتی چکهای شاهیور محمود رضا و والاحضرت فاطمه  
حساب برینته شد، معلوم گردید که محل اعتبار ندارند. سی تی نشانال  
بنک بورلی هیلز با اطلاع خیرخان رسانید که اعلیحضرتین حساب بانکینا  
رادر ۲۸ مارس (درست همان روزی که چکها کشیده شده بود) بسته اند.

بدین ترتیب مبارزه بین خیرخان و شاه بیشتر بصورت کارد وینیر در آمد . به خیرخان پیشنهاد شد که اگر مسافرتی به زنو کند و شخصا با شاهپور محمود رضا و گاره کاخش مشورت کند ، شاید هر چیزرا بتوان بهتر حل کرد . با استفاده از این فرصت ، خیرخان نرا واختر آوریل ۱۹۶۳ با هواپیما به سویس پرواز کرد . هنوز نرسیده بود که اوضاع شروع به خراب شدن کرد .

پلیس سویس درزنو که ظاهرا نظارت دقیق به دستیمه بین المللی (که کشور کوچکسان منبع و مرکز شن بود ) داشت، زود باخبر شد که مأموران ایرانی، خیرخان را دربال میکنند . مأموران پلیس به خیرخان گفتند که "آنها متوجه شده اند که او هم‌جا بوسیله ماشینهای متعلق به کنسولگری ایران تحت تعقیب است" . لذا پلیس به خیرخان توصیه کرد برای حفظ سلامتی زود کشور را ترک کند .

خیرخان اکنون متلاعده شده بود که نیروهای شاه میدانند اوصورتحسابای بنیاد پهلوی را در دست دارد . همچنین او تاحدودی مطمئن بود که اطاق هتلش در زنو کنترل شده بود . لذا باطرافانیاش خاطرنشان ساخت که میخواهد اوراق قیمت را در چمدانش پنهان کند . آنگاه با سروصداره انداختن‌های لازم مقداری کاغذ باطله در چمدانش تپاند . وسیس یوشکی مد ارک را درکیف دستیش گذاشت .

پس از انجام این مقدمات ، خیرخان بالاولین پرواز ممکن از زنو بهقصد پاریس خارج شد . چمدان لباسن بررسی شد تا باخودش به هواپیما رود ، اما وقتی به پاریس رسید . چمدانش بطریز مرموزی ناپدید شده بود آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
www.peykar.org

و تا امروز هم پیدایش نشده است . ناپدید شدن چمدان سو، ظن او را تائید کرد، لذا تصمیم گرفت بحرکت ادامه دهد . بسرعت به لندر پرواز کرد و هوایپیمائی برای کانادا گرفت و در آنجا فقط آنقدر توقف کرد که برای سوار شدن به هوایپیمائی دیگری برای نیوبورک لازم بود . دراین موقع که کار بجای باریک کشیده شده بود ، خیرخان ناخودآگاه وارد زندگی ریچارد . اج . ولز شد . ریچارد ولز ساکن شماره ۳۴۱ خیابان مادیسون ، یک حقوقی دان نیوبورکی است ( اولین بار در زمان روزولت بعنوان کارضد حقوقی کمیسیون سهام قرضه دولتی و ارز و بعد اینها ن معاعن دادستان آمریکا وکسول مخصوص کمیته مسکن مربوط بكارهای نیروی دریائی ) که سابتۀ طولانی خدمت دولتی دارد . در یکی از صحنهای بهار ، ولز در دفترش نشسته بود که یکی از مشتریهای سابقش با عجله وارد شد .

او گفت " دیک (۱) ، باید حتما خیرخان را ببینی " . ولز پرسید : " خیرخان کیست ؟ " .

" اوریک کلوب وسط شهر مخفی شده است " . سپس مشتری سابق ولز باعجله گفت :

" تو فقط باید او را ببینی ، او سحر آمیزترین چیزها را دارد " . ولز که مردی کوتاه . قد ، تپلو ، پرتحرک ( ۲ ) ، دارای انرژی بیقرار ویر حرارت است . او همانطور که در دفترش قدم میزند سریش را تکان دارد و اولین ملاقات خود را با خیرخان یاد آورن میکند . خیرخان

چکهای فتو کی شده وقتو کی های حساب بانکی بنیاد پهلوی را باو نشان داد . ولز میهوت میشنود . درابتدا او نمیتواند مطمئن شود که به رویائی تازه از شبای سینه زرگی شب گون نعیده دد . برای کسب اطمینان قبل از اینکه دعوای خیرخان را قبول کند ، به اداره دادگستری واشنگتن تلفن میزند . بد و خواست او ، ماموران اف . بی . آی به نیویورک میآیند و چندین روز از خیرخان و مریم کوشان بازیرسی می نمایند . مدارک را بازرسی میکنند ، میگویند ، بنظر میآید که مدارکی موافق باشند و به ولز چراغ سبز نشان میدهند تا جریان را به واشنگتن ببرد . اگون بسرعت یک کار به کار دیگری منجر میشد . از طریق اف . بی . آی ، کمیته مک کلان از وجوده مدارک خیرخان اطلاع پیدا کرد . جلسات اجرائی ، ماه مه و تقریباً یک هفته ای از ماه زوشن ۱۹۶۳ را بشهادت خیرخان و فتشی اشن مریم کوشان گذراند .

### کارسرای یک دختر بی حوصله

داستان دوشیزه کوشان نیز سلیمانی خود را دارد . او دختر حسن کوشان ، یکی از برجسته ترین ملتزمن شاه است . پدرش دوشه زندگی خود را از ارتش آغاز کرد . بعدها سسئولیت املاک شاه در ناحیه دریای مازندران باو داده شد و سرانجام سئول کلیه علاوه طک خاندان پهلوی شد . اسم او در حقیقت روی یک چک ۲۰۰،۰۰۰ دلاری صادره حساب بانکی بنیاد پهلوی ظاهر شد که فتو کی آن درین این دسته از ککسیون مدارک خیرخان وجود دارد .

مریم کوشان در لندن سنت تھصیل مامیکون کارکرد درراه آزادی طبایی کاولین بار با

با خیر خان آشنا شد . در ۱۹۵۸ ه وقتی که برای تعطیلات با ایران باز گشت . پدر و مادرش تصمیم گرفتند که باو اجازه مراجعت بدرسته این در انگلستان را ندهنند . از زندگی اجتماعی تهران پس از چند ماهی حوصله اش سر رفت . کاری که فکرش را مشغول کرد نداشت . هدفی در زندگی نداشت و لذا بینهایت ناراضی بود . تا اینکه یک شب او اخترنوازی بر پا اوائل دسامبر ۱۹۵۸ ، او و والدینش بطور اتفاقی خیر خان را در رستوران کبیه ملا قات کردند . در خلال گفتگوهایشان ، خیر خان با و ( مریم ) پیشنهاد کار بعنوان منشی خصوص خودش نمود . بارضا بیت پدر و مادرش ( در آنوقت خیر خان مورد الطاف شاه قرار داشت ) پیشنهاد را قبول کرد و سال بعد ، وقتی خیر خان مجبور شد از ایران فرار کند ، همراه او رفت . او با تحمل ریختندهای فامیلی ، کوشش برای رشه دادن و حتی یک کک وحشیانه ثابت کرد که کاملاً به خیرخان وفادار است .

اظهارات اولیه خیر خان و دوشیزه کوشاں در کمیته مک کلان طی بیانیه مختصراً از طرف سناتور مک کلان در شانزدهم مه ۱۹۶۳ در مطبوعات منعکس میگردند . مک کلان افشاء ساخت که کمیته مذکور از راستان خیرخان با خبر است ( در آن موقع واقعیت کی جریان علنا مورد سوء ظن نبود ) و اضافه کرد :

در خلال اقامه شهادت محramانه این ، خیر خان عطیات مربوط

به کمکهای خارجی در ایران را تشریح نمود و در اثبات گواهی

عرضه شده به کمیته فرعی ، مدارک مفصل خود را به کمیته

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

منذکور ارائه داد . این مدارک ، شرط تأیید دزدی و سو<sup>۶</sup>  
 استفاره کی پولهای بیش از ۱۰۰ میلیون دلار را در این طبقه  
 با اداره کمک ایالات متحده آمریکا در ایران نشان میدهد .  
 با این ترتیب خیر خان ، فیوز یک بمب ساعتی را در زیر برنامه کمک  
 خارجی آمریکا بایران روش کرده بود ، اما هنوز به وصول ۲ / ۵  
 میلیون دلار یولی که از وصولش وقتیکه والا حضرتین حسابهای بانکی شان  
 را در بانک بورلی هیلز مستند از آن محروم شد ، نزد یکتر نشده بود .  
 ریچارد ولز اگون وظیفه سنگین وصول این ثروت را از طرق قانونی  
 بعده گرفت .

## ۵

البته تعقیب ضروری بود ، اما تعقیب دعفو جلیل خاندان سلطنتی  
 ایران کار ساده ای نیست . این عمل در صورتی میتوانست انجام شود  
 که امکان اخطار کنی به آنها وجود میداشت . خوبشخانه ، عملیات  
 جاسوسی خیر خان هنوز هم موثر بود . شاید فتوکی کردن چکها و  
 موجودی های بانکی در کاخ تهران دیگر امکان نداشت ، ولی مکاتبه کاخ با  
 سفارت ایران در واشنگتن وکسولگری در نیویورک تقریباً مثل کاب باز  
 بود . همدستان خیر خان همه جا نفوذ کرده بودند . و بعلت این  
 نفوذ توانستند فتو کی رونوشت نامه ای را که بوسیله منشی شاهپور محمود  
 رضا برای محمود فروغی ، سفیر ایران در واشنگتن ، فرستاده شده  
 بود بدهست آورند . تاریخ نامه پانزدهم زوئیه ۱۹۶۳ واولین پاراگراف آن  
 چنین بود :

” مایل باطلاع شما بوسانم که والاحضوت شاهپور محمود رضا ، همراه با

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

علیا حضرت شاهدخت فاطمه پهلوی ویک هیئت سه نفری ، عازم سفر کوتاهی به ایالات متحده آمریکا هستند" :  
نامه با تکر جزئیات سفر ادامه میبایست ونشان میدارکه والاحضرت درششم آگوست، نیویورک را با هواپیما بقصد لوس آنجلس ترک خواهد گفت .  
ریش والاحضرت را گیر اند اختند

این سفر فرصت مناسی برای ریچارد ولز بود . مریم کوشان که محمود و فاطمه را خوب میشناخت با برادرش تورج کوشان که در واشنگتن دانشجو بود به فرودگاه آیدل وایلد رفته است . مریم میترسید مبار انتواند مدارک را عرضه کند زیرا او کاملا برای ایرانیها شناخته شده بود و ممکن بود مأمورین مخفی اطراف محمود و فاطمه از نزدیک شدن او بآنها جلوگیرند . اما تورج کثر معروف بود و امکان داشت مانعش نشوند .  
بنابراین وقتی که والاحضرتین نمایان شدند ، تورج بطرف آنها جلو رفت و برای آنها روز خوشی را آرزو کرد و درحالیکه هنوز هر دو متبسم بودند ، موفق شد مدارک را بآنها بدد . این کار توهین بزرگی به حساسیتیها ملوکانه بود . شاهپور محمود رضا باندازه ای آشفته شد که یک برگ از یادداشت های مارک دار سلطنتی خود را گرفته وبا دست خط طوطکانه خود بسرعت یادداشتی به محمود فروغی ، سفیر ایران در واشنگن ، در یازدهم اوت ۱۹۶۳ نوشت .  
فروغی هنوز نامه رانخوانده بود که مأموران زرنگ خیبر خان قبل از آن فتو کپ گرفته :  
فکر میکنیم در بازگشتم از کالیفرنیا میتوانم شما را در روانگی

بیینم ولی همانطور که اطلاع دارید ما مجبوریم فرا با بران  
برگردیم . مطمئن که آقای کوثر، مدارکی را همراه با  
جزئیات که به علیحضرت من ، در فرودگاه آیل وايلد  
توسط یک از دانشجویان ایرانی داده شد برای شما  
فرستاده است . من موضوع را بخاطر اعلیحضرت همایونی  
رسانده ام و دستورات ملوکانه این است که از هرگونه  
علی تا دستورات بعدی از تهران خود داری شود .

شاهد دیگری در دست بود که ابلاغ مدارک قانونی ، برنامه های  
والا حضرت محمود<sup>نهضت</sup> را تا حد زیادی بهم زد . والاحضرت از تهران در  
پازدهم اوت ، نامه ای به معاون نیروی هوایی ، مارشال بتی . دبلیو.  
پایپر(۱) ( کسی که اسمش روی چک یک میلیون دلاری پنجم فوریه ۱۹۶۲  
ظاهر شد ) نوشت :

فکر میکنم در راه از ایالات متحده به تهران سری به  
لندن بزنم ولی متاسفانه مجبور شدم تقریباً بطور فوری  
کالیفرنیا را ترک کم و حالا در تهران هستم .

در هر صورت آقای لئون پالانچیان (۲) ( این اسم  
را بخاطر بسپارید ) که یکی از دستیاران و دوست  
شخصی من است ، اجازه دارد با اطرافین ذینفع از طرف  
من مذکوره نکد .

در هر صورت ، با وجود مربوط بودن دعوی ، تصمیم ملوکانه در تهران

ظاهرا این بود که آنرا ناریده بگیرد . گذشته از این، امریکائیها چه میتوانستند نسبت به والا حضرتین که امکان دسترسی با آنها نداشتند انجام بدهند؟ نتیجه این شد که وقتی ریچارد ولز وارد دادگاه شد، دعوی مدافعانه نداشت و حکمی علیه شاهپور محمود رضا و والاحضرت فاطمه بعلغ ۱۲۱,۰۰۰ دلار برای هر کدام، که شامل ریح پول از ۲۸ مارس ۱۹۶۳ به بعد میشد، صادر گردید . در واشنگتن، سفیر ایران ( فروغی ) نامه ای به شاهپور محمود رضا نوشت و نسخه ای از مجله حقوقی نیویورک مونخ ۱ سپتامبر را که شامل حکم مذکور بود برایش فرستاد .

اکنون ریچارد ولز بجستجوی دارایی شاهپور محمود رضا و والاحضرت فاطمه برای توقيف آن پرداخت . مشکل دسترسی با آنها بزودی ثابت شد . در این موقع بروز حادثه ای، علاقه عجیب وزارت امور خارجه آمریکا را نسبت بعناف کاخ سلطنتی ایران نشان داد .

#### درز مسائل از واشنگتن

آنکه پس از اولین شهادت خیرخان، سناتور مک کلان برای پرسی داستان او از اداره خزانه داری درخواست کرد لیست کامل پرداختهای کمک آمریکا بایران را از ۱۹۵۹ تا دوازدهم زوئن ۱۹۶۳ برای او فرستند . مک کلان میخواست ببیند :

آیا تاریخ پرداختهای ما با تاریخ واریز ها در بنیاد پهلوی ( آنطوریکه در مدارک خیرخان نشان میدارد ) مطابقت دارد یا نه ؟

خزانه داری این اطلاعات باصطلاح محترمانه را تحويل کیته مک کلان دارد . طولی نکسید که یك فتو کیی از گزارش خزانه داری ، سراز سفارت ایران در واشنگن در آورد . فتو کیی ای از آن فتو کپی که بوسیله ماموران همه جا حاضر خیر خان تهیه شده بود برای او وولز در نیویورک فرستاده شد .

ولز به مک کلان نوشت که "امنیت کیته اش از بین رفته است ". ولز خاطر نشان میکند ، وقتی مک کلان فهمید که ما آن مدران را داریم وحشت زده شد . اما مصرانه ( چه در نامه هایش به ولز وجه در مکالمات تلفنی ) میگفت که " مطمئن است که در کیته اش رخنده وجود ندارد ". بزودی آشکار شد که رخنده بزرگی ، آنهم باندازه ای که یک کشتی جنگی را غرق کند ، در کیته اش وجود دارد . جمعه یازدهم اکبر ۱۹۶۳ ، ولز نامه ای به مک کلان نوشت که در آن تفصیل دارد خواهی را که خیر خان آغاز کرده بود و حکمی که صادر شده بود شرح میدارد . رونوشتی از این نامه نیز به سفیر ایران ( فروتنی ) در سفارت تحويل ماده شد . در چهاردهم اکبر ، درست سه روز بعد از آنکه ولز نامه اش را از نیویورک پست کرده بود ، در حالیکه تعطیلات پایان هفته در وسط آن بود ، سفیر ایران ( فروتنی ) به شاهپور محمود رضا نامه ای نوشت :

درجوف ، رونوشتی از نامه ریچارد ولز به کیته مک کلان قرار دارد که حکمی را که " باشگاه جهانی ورزشی میداشم " بدست آورده است باطلاع آنها میرساند .

اسامی آن والاحضرت علیاحضرت شاهدخت فاطمه در این  
نامه وجود دارد . ما بکوشش خودمان برای خاتمه دادن  
باین مسائل ادامه میدهیم ، ولی کمیته مک کلان آنطور  
که انتظار داشتیم با ما همانباری نمیگرد .

رونوشتی از این مکاتبه طبق معمول برای خیرخان در نیویورک فرستاده  
شد . ولز بادیدن رونوشت پیغام فروغی وفتور کی نامه خودش بهمک کلان ،  
سواهد را واتقاً کامل یافت .  
او میگوید :

من یک نسخه از آن نامه را (نسخه اصلی که برای مک کلان  
فرستاده شد) امضاء کردم و وقتی آن فتوکیی با امضا من  
درزیزیش ، عملاً آخر هفته برگشت ، دیگر جای هیچگونه  
تردیدی وجود نداشت که فقط میتوانست از یک جا ، آنهم  
از کمیته مک کلان بیرون بیاید .

ولز دوباره به مک کلان نوشت که این جریان اخیر مؤید اتهام قبلی  
است ، یعنی هر چه را کمیته دریافت مینمود عیناً بسفارت ایران درز  
میگرد . مک کلان بار دیگر متوجه شد ، اما به ولز اطمینان داد که درز  
مطلوب بهمیع وجه نمیتواند از کارمندانش شروع شده باشد . البته او  
نوشت که کمیته بادولت همکاری میگردد تا آنچه را که بر سر کمکسای  
ما با ایران آمده بررسی کند و دولت هم رابطه نزدیک با کمیته اس بر  
قرار ساخته است . مک کلان مذکور شد که رونوشت های کیه مدارک  
بطور عادی به رابط وزارت امور خارجه داده شده است . گرچه تا

کون ولز نتوانسته بود محل دارایی محمود رضا و شاهدخت فاطمه را به دست آورد ولی جنگ مخفی جاسوسی ضد جاسوسی با سرعت هرچه بیشتر ادامه داشت . ولز از طریق مأمورین خیرخان فهمید که در بازدید شاهدخت اشرف از سفارت ایران در واشنگتن ، کیه فتو کی چکهای بنیاد پهلوی و حساب بانکی زنو ( یعنی مدارکی که خیرخان به کمیته مک کلان تسلیم کرده بود ) باو نشان داده شده است .

### منشی کلک خوردہ

درست همانطور که ولز خیرخان میخواستند از نشر اطلاعاتشان از طریق غربال رابط مک کلان و دولت جلوگیری کنند ، ایرانیها هم سخت دنبال پیدا کردن مشخصات مأموران خیرخان در سفارتشان بودند . میک بار سعی شده بود تا خیرخان را در سراسرای یک تائز نیویورک کلک بزنند ولی محل خیلی عمومی بوده وقت کافی برای کلک زدن درست و حساین وجود نداشته است . حال در تابستان ۱۹۶۴ ، یک بار دیگر این عمل بکار گرفته شد و این بار علیه یک زن . در چهارم اوت ۱۹۶۴ ریچارد ولز حارثه زیر را به سنا تور مک کلان گزارش داد :

با نوشتن این نامه میخواهم بشما اطلاع بدشم که شب یکشنبه نوزدهم زوئیه ۱۹۶۴ ، دو نفر از نمایندگان حکومت ایران بعنزیلی در ایست راد رفورد . نیوجرسی ( ۱ ) جائی که دوشیزه کوشان سکونت داشت حله برده واو را ببرخانه کلک زدند تا شاید راجع به موضوع عانی که باستحضار کمیته مک کلان رسانده از او اطلاعاتی کسب کنند . ارجیو استاد سارمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

احتیاج ندارد که بگویم دوشیزه کوشان با صیر قابل ملاحظه‌ای که از صفات مشخصه اوست مزعوب و تسلیم تهدید و پرخوبی‌های این اویاشان و گانگسترهاشی که دولت ایران با استفاده از ساعدت سخاوتمندانه برنامه کمل خارجی ما به حکومت پهلوی، با استخدام آنها پرداخته است، نخواهد شد.

گزارش دکتر اشتینبرگ صدماتی را که بد دوشیزه کوشان وارد شده است به ترتیب زیر خلاصه می‌کند:

پارگی لبه خارجی چشم راست، کوفتگی، خون مردگی و تورم هر دو چشم برایر ضربه ( چشم راست بیشتر از چشم چپ )، پارگی زیر سطح لب، پریزیدگی راندان ( نیش راست )، کوفتگی، خون مردگی و تورم آرنج راست، قسمت‌های متعددی از کوفتگی، خون مردگی و تورم در بالای بازو و آرنج چپ، کوفتگی، خون مردگی و تورم در هردو زانو و ساقهای پا، خون مردگی، تورم و کوئنگی در هر دو مفصل ران، خون مردگی و تورم در جمجمه. بعبارت دیگر مریم کوشان را تاصر حد مرگ کلکزده بودند.

### کستردن دام

حال که با این روشها موفقی بفهیدن اسرار خیر خان نشدند، ایرانیها آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تصمیم گرفتند تا یک دام عطی در سفارت واشنگتنشان بگسترانند. از کش رفتن و فتو کی شدن مدارک فهمیده بودند که مأموران خیرخان بایستی کید گاو صندوق سفارت را داشته باشند. لذا مأموران ایرانی بطور مخفی سفارت را با دستگاه سیم کنی کرده بودند تا چنانچه کسی پیر ساعات تعطیل وارد سفارت نمیشد که درها بظهور اتوماتیک قفل شده و زنگ خطر بدآ در می‌آمد. چندی بعد از نصب دستگاه مزبور یکی از مأموران خیرخان بدام افتاد. درهمان لحظه‌ای که پا به آستانه در گذاشت، قلهای الکتریکی بسرعت بسته شد، زنگ خطر بدآ در آمد و مأموران ساواک (پلیس مخفی ایران) سررسیدند. بیجا بدام افتاده وانمود میکرد که خیلی متعجب است، او میگفت صرفاً یک ایرانی فقیر است که در واشنگتن بدون خرجی گیر کرده است.

میدانست اگر بسفارت مطلع شوند بروند کمک میکنند و این چیزی بود که او داشت انجام میداد. صرفاً دنبال کمک میگشت و با حالتی سرگردان وارد سفارت شده بود. هیچکس را نمیشناخت و فکر کرده بود خوب شاید بتوا اطاقی در سفارت برای خوابیدن پیدا کند. بنابراین وارد این اطاق شده و یک مرتبه این همه با میول علم شده بود. توضیحات مذکور قطعاً ساواک را قانع نکرد. آنها شخص متجاز را سه روز در سفارت بازدا کردند. خیرخان در نیویورک زود گوشش با خبر شد و سائله رهائی او را با ریچارد ولز مطرح کرد. ریچارد ولز بچاره جوش حقیقی پا فشاری میکرد. او پیشنهاد می‌نمود: "بگذار یک حکم بازداشت بگیر" و او را بیرون بکسیم. اینجا آمریکا است، آنها نمیتوانند این کار را ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارکر

در اینجا بگفتند " . " نهانه " خیر خان مخالفت کرد . " اینکار لازم نیست ، ما از همه چیز موافقت خواهیم کرد ". در واشنگتن ، سفارت تصمیم گرفت که اسیر را با هواپیما بایران بفرستد تا در آنجا . خلاصه بحسابش برسند . ترتیب مسافرت با " ایر فرانس " داده شد و زندانی همراه با دو محافظ ساواک از آمریکا رانده شدند .

### تو عق در ژنو

ارفانس توقیف در ژنو دارد . خیر خان با علم باین ، برنامه خود را طرح ریزی کرد . یک ماده جالبی از قوانین سویس ، بازداشت یک خارجی را که از طرف یک نابغه سویسی تحت تعقیب باشد ممکن میسازد . سویس از آنجائیکه یک کسور کوچک است ، مدعی علیه احتمالا در حوزه قانونی آن زیاد معطل میشود ، مگر آنکه رسماً تو قیف گردد و بنابراین پلیس اختیار دارد تا چنین اغراضی را بازداشت کند . هیچ چیز ساده‌تر از قانون مذکور نبود ولذا خیر خان ترتیب دار تا مأمورش در یک دارگاه سویس تحت تعقیب قرار گیرد .

بعض نشستن هواپیمای " ارغانس " پلیس سویس وارد هواپیما شد و مأمور مخفی خیر خان را از محافظین ساواک ( درحالیکه خیلی داد و بیداد و اعتراض میکردند ) قاپید . مأمور مذکور بزندان سویس انداخته شد و چند ساعتی بعد از آنکه هواپیمای ارغانس و مأموران دست خالی ساواک به ایران پرواز کردند ، در آنجا باقی ماند . سپس دادخواست تعقیب قلابی طغی و مأمور خیر خان یوانشکی آزاد شد .

ریچارد ولز شایختند ( سارکامپن کا پیروزی است ) طراجع که در استان میکرید :

” خسیر خان عالیه ، او دیوانه شان میکند ، همه جا با آنها کلک میزند او وولز با هم راشتند یک اقدام زیرگانه تر از آنها میکردند و این پیار درستله ای که واقعا مهم بود یعنی پول نقد . پس از بیش از یکسال جستجو ، سرانجام بک از حسابهای بانکی شاهپور محمود رضا پهلوی را در کپانی مورگان گارانتی تراست نیویورک پیدا کردند . در هفتم اکبر ۱۹۶۴ حساب مذکور را توقيف کرده و ۱۰۳،۰۷۷،۳۳۰ دلار از پول محمود رضا را برداشتند . باید اینکه منابع دیگر شاهپور را پیدا کند ، ولز فورا اجازه خواست تاکیه مهاملاتی را که از طریق این حساب انجام شده بود بررسی کند . مورگان گارانتی همکاری کرد و بنابراین ولز شواهدی را اثنا کرد که چگونگی پولی را که میباشتی صرف ساختن پایگاههای آمریکائی در ایران میشد و بحیب های محمود رضا ریخته شده است<sup>۱</sup> شرح میدارد .

” در ۲۸ اکبر ۱۹۶۳ ، یک چک ۱۵۰۰۰ دلاری ( صادره از کپانی جی . ای . جونز . کافتراسکن ، آف چارلوت ، ان . سی ) بحساب محمود رضا در بانک مورگان گارانتی ریخته شده بود . این چک با اسم لئون پالانچیان ( ” آسیستان ” و ” دوست ” محمود رضا که برای دیدن معاون مارشال هوائی ، تی . دبلیو . پلیپر ، به انگلستان فرستاده شده بود ) صادر گردیده بود . پشت چک اینطور نوشته شده بود : ” بحواله کرد شاهپور محمود رضا پهلوی ، لئون پالانچیان . ” و زیر آن :

” فقط بحساب شاهپور محمود رضا پهلوی محسوب نمایند ، محمود رضا پهلوی ” . پس از مدتی معلوم شد شرکت ساختمانی جونز قراردادی با دولت آمریکا برای کار ساختمانی پایگاه نیروی هوائی همدان در ایران ارادی طبقه کاری . شرکت ارشیو استاد سازمان پیکار در راه ارادی

اظهار تعجب کرد که این چک ۱۵۰۰۰ دلاری چطور سواز حساب بانک نیویورک شاهپور محمود رضا پهلوی در آورده است . رئسای شرکت ساختمانی گفتند که چک مذکور برای پالانچیان ، مقاطعه کار فرعی ما در رجیمندی و کارهای جاده سازی صادر شده و هرگز هیچ نوع معامله ای بین شرکت ساختمانی جن . ای . جونز و محمود رضا پهلوی صورت نگرفته است . ولی محمود رضا مسلم ۱۵۰۰۰ دلاری را به جیب زده بود که بپای مالیات پردازان آمریکائی ، بعنوان جزوی از مخارج کار شرکت ساختمانی جونز در پایگاه نظامی آمریکا در ایران گذاشته شده بود .

مدارک مورگان گارانتی همچنین ولز را بحساب دلالی که محمود رضا با شرکت هیدن - استون داشت راهنمایی کرد . ولز فوراً دست روی آن گذاشت و با این ترتیب مبلغ ۳۶۵,۰۰۰ دلار دیگر از پول محمود رضا را توقیف کرد . اکون با خطر افتادن تقریباً نیم میلیون دلار داد و فریاد ناراحتی از تهران بلند شد .

### سفر غمگین

در شانزدهم اکبر ، فروضی ، سفیر و اسنتگن نامه ای کوتاه و گستاخانه از

شاهپور محمود رضا دریافت کرد . محمود رضا نوشته بود :

نامه دهم اکبر شما را دریافت کدم که باعث تعجب زیار من شد . ضمتأ خانلر نشان میکم شما حتی به اعلیحضرت همایونی امینان دادید که این موضوع کاملاً خاتمه یافته است و حالا یک چنین خبری را مطرح میکید . من این موضوع را بخاطر اعلیحضرت همایونی میرسانم . لطفاً آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## منتظر دستورات من باشید .

در ۴ نوامبر ، فروضی مجبور شد نامه ناخوش آیند دیگری برای محمود رضا بنویسد و با خبر دهد که دستوراتش برای جلوگیری از ضبط حساب دلالی هیون - استون خیلی دیر رسیده است . این خبر شاهپسورد محمود رضا را سخت عصبانی کرد و درنامه ای به فروضی مورخه ۶ نوامبر ۱۹۶۴ ( که فوراً از آن توسط مأموران خیرخان فتوکی گرفته شد ) با عصبانیت چنین نوشت :

آنچه در نیویورک اتفاق می افتد ، مرا سخت ناراحت کرده است . دستورات مربوط به شما همانست که در اینم صرفاً منکر دریافت اخطاریه بنشود و بدین ترتیب مامیتوا نمی نوع را بطور نامحدود راک بگذاریم .

معدالک آنچه که بین از هرچیز باعث تعجب ما شد ، این است که از طرف شما چه اتفاق افتاد که این موضوع دوباره مطرح شد . همانطور که ماهمه بخاطر داریم شما ، وکیل و هرروی خیلی مطمئن بودید که موضوع خاتمه یافته و هیچ کس راجع با آن صحبت نداشده کرد . احتیاجی نیست که من دوباره تکرار کم ، شما وظائف خود را میدانید . جزیانات بعدی نشان میدهد که فروضی جواب اریابخود راشنیده است و دیگران نیز درواشتنگن این جواب را شنیده اند .

۶ - رفتار وزارت امور خارجه، ظن معتولی را ایجاد میکرد که آیا این جویان از واشنگتن اداره میشود یا از تهران . وزارت خارجه مصرانه و با اعمال زور از طرف والاحضرتین شروع بعد اخله نمود . والاحضرتین سعی میکردند تا از ۲/۵ میلیون دلار قرضی که آنرا تائید کرده و برای پرداختن چکها ی بین محل صادر کرده بودند ، طفره بروند . هکی از روشن ترین دخالتهای وزارت خارجه از جانب والا حضرتین ، در اوخر نوامبر ۱۹۶۴ اتفاق افتاد ، وقتیکه شاهدخت فاطمه یک مأمور به آمریکا فرستاد تا پولهای بانک را که هنوز ریچارد ولز محلن را بپیدا نکرده بود وصول کند . این پیک ، خسرو اقبال بود . او در ۲۱ نوامبر به کالیفرنیا رفت .

### چند تا پاسپورت ؟

از نظر ولز ، شریک جرم این کار ، ونالد . ا . ومیر ( آسیستان مشاور حقوقی امور خارج نزدیک و آسیای جنوبی ) بود . ریچارد ولز با صراحة ادعا کرد که بعد از ابلاغ اخطاریه در نیویورک ، " اقبال راجع به جویان کار را داشت با فروغی ، سفیر کبیر و آقای ومیر مشورت کرد . از طرف هردوی آنها باو توصیه شد که احضاریه را نادیده بگیرد ، زیرا گواهی او صرفا در درسر برای خاندان پهلوی و حکومت ایران ایجاد می کند و آنها توصیه کردند که او فورا کشور را ترک کند .... . این فقط یکی از سری عطیاتی بود که در آن وزارت امور خارجه از قدرت خود بنفع چک بین محل خاندان سلطنتی اعمال نفوذ میکرد . شاهپور محمود رضا دیوانه وار برای آزاد کردن نیم میلیون دلاری که ولز فبط آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کرده بود ، شروع کرد به جنگیدن با حکم که بیش از یکسال قبل صادر شده و او آنرا نادیده گرفته بود متن‌ها ینکه شروع کرد به آزار کرد . او معتقد بود که حکم رادگاه معتبر نیست ، زیرا وی هرگز در ۱۹۶۳ به آمریکا نرفته است . بنابراین اخطاریه نمیتواند در ۶ اوت ۱۹۶۳ در فرودگاه آیدل وایلد باو راده شده باشد . او اطلاعی از جریان رادگاه نداشت و فرصتی برای دفاع از خود نیافرته و بایستی حکم رادگاه طغی گردید .

اما مکاتبات بین محمود رضا و فروغی ، سفیر ایران نشان میدهد که محمود رضا در کالیفرنیا بوده و حکم رادگاه را میدانسته و تصمیم گرفته تا کلیه ماجرا را فراموش کند باین امید که با نفوذ کافی آن را ماست مالی کند . سند سازی ، محمود رضا فریاد زد ، سند سازی زیرگاهه توسط ماموران خبیر خان . محمود رضا در تلاش بخاطر اثبات غیتش از محل جرم ، کوشید تا با پاسپورت ها یعنی ثابت کند که سالهای است نزد یک سواحل آمریکا نشده است و در این کوشش ، مسلما از همکاری گرم وزارت امور خارجه بخورد ار بود . اولا یکی از دستهای مزدور وزارت ، والتریورک ، در اقرارنامه ای اعتراض کرد که او روتا از پاسپورتهای محمود رضا را که مربوط به ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ بوده و هنوز معتبر بودند بازرسی کرده و آنها نشان میدهند که او فقر به وابسین ، هنگ کنگ قلیبین ، تایلند ، عراق ، اردن و لبنان مسافرت کرده است . البته بیچاره ولز زود مذکور شد که این پاسپورت هیچ ذکری از بازدید سویس یا انگلستان نمیکند و حال آنکه این بازدیدها بطور مسلم انجام شده است .

همانطور یکه خبیر خان در نامه ای بسازمان ملل که ضمیمه اقرارنامه اش میباشد ، متهم کرده ، پلیس زنودر ۷ نوامبر ۱۹۶۰، شاهدخت اشرف را با خاطر داشتن دو چندان هروئین بارزش ۲ میلیون دلار دستگیر کرده بود . شاهپور محمود رضا با صدای بلند اعتراض کرده بود که چند اینها مال او نبوده و شاهدخت اشرف تامدنی بازداشت شده بود . انتر پول ( پلیس بین الطلق ) تحقیقات وسیعی را انجام داده و نتایج جریان آنچنان افتضاح بوده که حتی روزنامه تایمز لندن آنرا ذکر کرده بود . انتر پول مدتها سعی کرده بود تا اظهار نامه ای از محمود رضا در رابطه با جریان هروئین بگیرد . منشی این ، مسعود پهلوان در جواب باز جوئی انترپول نامه ای به سفیر ایران در لندن مینویسد و ضمن آن میگوید که سالهای است هر روز با محمود رضا بوده و تنها سفری که شاهپور بخارج از مملکت کرده عبارت از مسافرت کوتاهی است که به ایالات متحده آمریکا در فوریه ۱۹۶۱ نموده است . ولز خاطر نشان کرد که این بازدید از ایالات متحده هم در گزارش بورکسنکس نشده واستدلال میکرد که چنین از ظم افتادگیهایی از پاسپورت های بازرسی شده نشان میدهد که این پاسپورت ها تنها پاسپورت اونیستند . او استدلال کرد ، محمود ممکن است یک روحی از چنین مدارک را داشته باشد و هیچ چیز را نمیتوان با اقرارنامه هایی مبنی بر اینکه بعضی از این پاسپورتها نشان نمیدهند ، ثابت کرد .

باوجود این ، وزارت امور خارجه مهریان ، نهایت کوتشن خود را نموده در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۴ ، جولسیس . هولمز سفير آمریکا در تهران ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تلگرافی بارمز دیپلماتیک و "محرمانه" فرستاد . متن آن چنین بود :

پاسپورت شاهپور محمود رضا را که در ۱۹۵۹ صادر و دوبار تازوئن ۱۹۵۹ تجدید شده بود امروز بازرسی کردم و پاسپورت ویزای آمریکا یا مهر آی . ان . اس ندارد . گواهی این اثر در ضمیمه است . هولمز .

این تلگراف بامضه و مهر خود دین راسک کم بکم منتشر شد و توسط وسیر به سیلوان مارشال ( وکیل عدلیه واشنگتن که سفارت ایران او را اجیر کرده بود تابرای نیم میلیون دلار محمود رضا بجنگ ) تحويلداده شد . ولز در ۲۰ نوامبر در دادگاه عالی نیویورک برای بحث دریس اره پیشنهاد محمود رضا راجع به الفاء حکم ۲/۵ میلیون دلاری حاضر بود ، که مارشال و وکلای دیگر سفارت ، نسخه ای از مدارک وزارت امورخارجه را تحويل او دادند . اینها فورا جزئی از مدرک دادگاه شدند .

### رمز ها و کترل کدن تلفتها

در اینجا بود که یک شوخی نا بجا آغاز گردید . وزارت امور خارجه ناگهان مبدل به شهوت خشم عدالتخواهی شد و شروع با یجاد مزاحمت برای ولز نمودند ، مبنی بر اینکه او از رمز دیپلماتیک استفاده نموده است . وزارت خارجه با لحنی خشمگین اعلام کرد که امنیت شخص شده و تقاضا کرد ولز ، رونوشت تلگراف هولمز را که رسما باو در دادگاه نیویورک عرضه شده بود پس بفرستد . دلیل تشویش ناگهانی و دیوار وقت وزارت امور خارجه چنین بود : تلگرافها که با علامت "محرمانه" مشخص شده و بصورت روزانه فرستاده میشدند نهایتی در تراحد اعلی طبقه عالی گنجینه منتشر

شوند . چنانچه یک هدایت خارجی تلگراف های ما را گیر بیاورد ، در اختیار داشتن فقط یک چنین پیامی با امکان میدهدتا رمز را بفهمد . وزارت امور خارجه و حشت زده از این نظر با عصبانیت از ولز تقاضای تلگرافی را میکرد که خود در وفاداری به قضیه خاندان پهلوی از روی بیشعوری ، گمراه به کمک در اختیار ولای سفارت ایران گذاشته بود . طبیعتا وزارت امور خارجه نمیتوانست خود را سرزنش کند ، لذا به سر زنش ولز پرداخت . اما ولز اصلاً بخود نگرفت و نامه<sup>۱</sup> تندی به جن . ادوارد . لی لولی (۱) ، معاون مشاور حقوقی وزارت امور خارجه در دوم سپتامبر نوشته و در آن به بیهودگی محض مسئول قراردادن او برای عملی که خود وزارت امور خارجه انجام داده بود ، اشاره کرد . ولز این نظر را که رمزدست خورده را هرگز بتوان دوباره کامل کرد ، مسخره نمود . و به لی لولی چنین گفت :

بعن اطلاع داده شد که در آخر وقت بعد از ظهر ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴ ، آنای مارشال ، آنای فرانک . اچ . کالنی ( یک وکیل دیگر ستاره ) و دیگران در سفارت ایران در واشنگتن دی سی ( ۲ ) جمع شده و با سفیر چندین ساعت خلوت کردند . چنین می فهم که در آن وقت رونوشت کیه اوراق جوابیه ای را که من در صبح آن روز بدادرگاه تقدیم کردم و همچنین رونوشت اوراق تقدیم شده از طرف محمود رضا پهلوی را بانضم مدائر مورد بحث به سفیر تحویل داده اند . بعن همچنین اطلاع

داده شد که رونوشتی از کلیه این اوراق پس از آن باپست  
هوائی بکاخ سلطنتی تهران فرستاده شده است ...

سلما برای من قابل درک نیست که هیچ فردی باعقل سليم  
و یامختصری زمینه هوشن میل داشته باشد باستفاده ازرمزی  
ادامه دهد که فرضا مدرک آنرا بمحاطه انداخته ونسخه ای  
از آن مدرک هم در بایکانی عمومی دادگاه عالی نیویورک برای  
مدت ده روز بایکانی بوده ورونوشت های دیگری از آن در  
اختیار سفارت ونمایندگان یک دولت خارجی قرارداشته است.

درهمین نامه ، ولز با ترشوشی باطلاع لیلرلی رساند که لی لرسی  
خودش ممکن است سهوا بابحث کردن تلفنی درباره خامت و اهمیت  
افشاء تلگراف ، امنیت بیشتری را نقص کرده باشد . زیرا ولز به لیلرلی  
گفت ، حقیقت این است که تلفنهای ولز ضبط میشده است .

وقتیکه شاهزاده محمود رها تصمیم گرفت جهت وصول نیم میلیون دلارش  
بجنگ ، پول مساله ای نبود ، خزانه داری ایران همیشه درسترس  
است . یک از مشهورترین متخصصین نیویورک درهنر ضبط غیر قانونی  
تلفن ، بتازگی ارزندان آزاد شده بود . طبق اطلاعات ولز ، جلسه  
جالیی از تبادل افکار ومقاصد انجام گرفت ، ولی استاد ضبط مکالمات  
یک اشتباه کرد . در عضوگیری ، گروهش جهت ضبط تلفن ، به سای  
چیستی (۱) نزدیک شد ( چیستی مأمور رجانبه مشهوری بود که  
بعنوان شاهد اصلی در قضیه ارتقاء کمیته جیمز . آر . هفا - مک کلان  
شرکت داشت ) . چیستی که ازسابقه ضبط دیگری اطلاع داشت ، از

این عمل خوش نیافت . روزی که تلفن کنترل میشد به ولز خبر داده شد . ولز، رابت سی . لا بور، کارمند آی.تی.تی. و متخصص مشهور در ضبط تلفن را با استخدام گرفت تا تلفنهاش را بازرسی کند . بزودی محقق شد که تلفنهای ولز و خیرخان و همچنین همکاران خیرخان کنترل شده است . جمعا سی و چهار تلفن در جریان کنترل قرار گرفتند . ولز این جریان را بدقت فرانک . هُکان، دادستان ناحیه، به معرفی ، کمیسر پلیس و به دادستان ایالات متحده گزارش کرد و کنترل تلفن خانمه یافت . اکنون دفتر هُکان مبدل بکانون کیته تویی مداوم علیه خیرخان و ریچارد ولز شد . و میر ، مشاور اقبال ( مردی که گویا تلگراف هولز را برای نمایندگان سفارت ایران فرستاد ) شروع نمود به تطمیع هُکان ، دادستان ناحیه برای اتخاذ عمل جنائی علیه خیرخان و ولز . ولز در نامه بسیار مفصل سوم دسامبر خود اوضاع را برای کمیس سلسه مراتب وزارت امور خارجه ، تشریح کرد :

در چندین مورد آقای و میر با اسم دفتر مشاور حقوقی به دادستان ناحیه نیویورک ، کانتی تلفن زده تا باشان بگوید که وزارت امور خارجه علاقمند است دادستان ناحیه کارهای خیرخان و باشگاه جهانی ورزش های میدانی را مورد تحقیق قراردهد . او به دادستان ناحیه گفته که شکایتهاقی توسط آقایان سیلوان مارشال ولویه جرج سول ، وکلای سفارت ایران بعمل خواهد آمد و اینکه وزارت امور خارجه مایل است دادستان ناحیه ، در آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

باره چنین قضایائی فورا و مقیاس وسیع به تحقیق پردازد...

به عنین ترتیب ، آقای ویرباتشا نیویورک که پرونده ،

نزد آنها عموق مانده است، گفتگوهای مشابهی را آغاز

کرده است . تمام این اقدامات برای مانع شدن وختنی

کودن دعواهی عموق است ، بامید اینکه بتوان برترینی

خیر خان را بی اعتبار نموده و تحقیقات کیته فرعی

منا را باین ترتیب ماست مالی کرد .

### روش‌خانه‌های طلا

در اثر این فشار ، ولز و خیر خان با یکی از معاونین اصلی هُگان ،

جروم . کیدر ، معاون دادستان ناحیه ، مشورت کردند . ولز به کیدر

نامه اصلی تائید شده از طرف وزیر امیر خاتمی ، شوهر شاهد خست

فاطمه ، که ترتیب پرداخت ۲/۵ میلیون دلار به خیر خان را داده

بود نشان داد . ولز اصل چکهای بی محل شاهپور محمود و شاهد خست

فاطمه را به کیدر ارائه داد . همچنین دادستان ، چکهای بنیاد پهلوی

و صورت حسابهای بانکی را که نشان میدارد آنها نقد شده بودند به

تفصیل برای کیدر تعریف نمود و در تجزیه و تحلیلی ، عیقتو از آنچه

که او و خیر خان در اصل توانسته بودند بگند ( در اثر گزارش مفصل خزانه

داری ایالات متحده که از بایگانی های کمیته مک لان بماموران ایرانی

رسیده و تو سط مأموران خیر خان فتو کی شده بود ) ، ولز شما

جامعی ترسیم نمود که در آن نشان میدارد چگونه طی چندین سال، پولهای

هنگفتی از وجوده که آمریکا سر از بنیاد پهلوی در آورده است . مقایسه

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه ارادی طبقه کارکر

ولز از پرداخت‌ها و سپرده‌ها نشان میدارکه :

در ۱۷ مارس ۱۹۵۹، ایالات متحده ۲/۵ میلیون دلار  
بسامان برنامه پرداخت کرد و در اول آوریل ۱۹۵۹،  
سامان برنامه ۲ میلیون دلار به بنیاد پهلوی منتقل کرد.  
در ۱۱ آوریل ۱۹۵۹، ایالات متحده ۵/۵، ۱۲۱، ۱۶۸ دلار  
برای سازمان برنامه فرستاد. در ۱۰ مه، سازمان  
برنامه ۲ میلیون دلار به سازمان شاهنشاهی ورزش پرداخت  
که آنهم بعداً ۲ میلیون مذکور را به بنیاد پهلوی منتقل  
کرد.

در ۲۰ زوئن ۱۹۵۹، ایالات متحده ۳، ۸۹۰، ۳۵۹ دلار  
دلار برای سازمان برنامه فرستاد. در ۱۱ زوئیه، سازمان  
برنامه ۲/۵ میلیون دلار به سازمان شاهنشاهی ورزش  
منتقل کرد.

در ۱۳ زوئن ۱۹۶۱، ایالات متحده ۴، ۳۰۰، ۰۰۰ دلار  
به صورت کمک خارجی به بانک مرکزی پرداخت. در اول زوئیه،  
بانک مرکزی ۱۲ میلیون دلار به بنیاد پهلوی منتقل کرد.  
در ۱۷ اوت ۱۹۶۱، ایالات متحده ۵ میلیون دلار به  
بانک مرکزی پرداخت. در دوم سپتامبر، بانک مرکزی  
چهار میلیون دلار به سازمان شاهنشاهی ورزش منتقل  
کرد.

در اول سپتامبر ۱۹۶۱، ایالات متحده آمریکا ۱ میلیون دلار  
آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

برای وزارت دارائی ایران فرستاد . دراول اکتبر ، وزارت دارائی ۱۰ میلیون دلار به بنیاد پهلوی منتقل نزد . در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۱ ، ایالات متحده یک ۵ میلیون دلار دیگر برای وزارت دارائی ایران فرستاد و در ۱ دسامبر ، وزارت دارائی یک ۱۰ میلیون دلار دیگر به بنیاد پهلوی منتقل کرد .

بدین ترتیب بود که تا وانویه ۱۹۶۲ ، موجودی بنیاد پهلوی ( گروه اختصاصی خاندان پهلوی ) به بیش از ۵۶ میلیون دلار رسیده بود ، البته قبل از آنکه سیل چکهای کلان ، جبهت اعضاء خاندان سلطنتی و امریکائی های منتظر شروع به واکنش کردن آن نمود . جزوی کیدر و فرانک هُگان وقتیکه با این نوع مدارک مواجه شدند ، اصرار زیاد رفتار و میر دروزارت امور خارجه را نادیده گرفتند .

### تلفن بسم واشنگتن

اما بدون شک بازی شطمنج راست مشکل میشد و چون وزارت امور خارجه طوری رفتار میکرد که گوئی شعبه ای از کاخ سلطنتی تیوان است ، ولز تشخیص دارکه حالا وقتی است که هردو به بازی خرسندانه ای پردازند . نتیجتا در ۷ دسامبر ۱۹۶۴ ، ولز نامه مختصر زیرا به اباب فورنیس ، رادستان واشنگتن که از نزدیک ترین مشاوران لیندن جانسون بود نوشته شرایطی که مدارک پیوست آن ارتباط دارد « شرایطی بس انفجاری است که ممکن است هر آن مانه آن کشیده شود . من آنها را برای شما میفرستم زیرا مسلمًا غوری آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه ازدی طبقه کارگر

است وکسی در دستگاه دولت بجز سطوح پائین سلسه  
مراتب وزارت امور خارجه باید با آن آشنا شود و گوش بزنگ  
شرایط باشد .

با این یادداشت ، ولز فتو کمی های چک ها و صور تعسیب های بانکی  
بنیاد پهلوی را ضعیمه کرد . عکس العمل سریع بود . فورتاس به ولز تلفن  
زده و از جهت فرستادن اطلاعات تشکر کرد . سپس نقریباً سه ریس  
 ساعت تلفن باهم صحبت کردند . فورتاس سوالات عمیق میکرد و ولز جواب  
میداد . چند روز بعد ، فورتاس یک جلسه خصوصی در ساعته با رئیس  
جمهور تشکیل داد و بعد از آن یواشک بدون هیچگونه بازی ای جریانی  
بترتیب زیر پیش آمد :

فروغی ، سفیر ایران که در این کشور تا کردن در دعوا فروخته بود ،  
با ایران فراخوانده شد .

جولیس هلمز ، سفیر امریکا از تهران فراخوانده شد و اندکی بعد بی سرو  
صد از خدمت وزارت خارجه اخراج شد .

میز ایران در وزارت امور خارجه ضد عفوئی شد ، بترتیبی که کوئی دچار  
آبله شده است .

همه کمکای اقتصادی با ایران از لایحه جدید کم خارجی که پر زید نست  
جانسون به کنگره فرستاد ، قطع گردید .

۲ - داستان این چنین است ، چنین است درگیریهای طی داندخت‌خواهی  
 خبیر خان در دادگاه عالی نیویورک . این دعوی قانونی هنوز فیصله  
 نیافرته است . شاهزاده محمود رضا ، گرچه مدعی بود که هرگز در ۱۹۶۳  
 پامریکا نرفته و هرگز هدارک قانونی اخطاریه باو ارائه نشده واصله اطلاعی  
 از دعوی نداشت، اکون که کاملا باو اطلاع راده شده بود تابه نیویورک  
 آنده و مثل هر طرف دعوای دیدی در دادگاه نیویورک شهادت دهد، همچ  
 روی خوش نشان نداد . او گفت ، نه، هرگز گواهی او را میخواهد بکار  
 بپیران بباید و آنرا در آنجا بگیرد . جواب ولز این بود که او در حقیقت  
 به زندگی خود و همکارانش خیلی بیش از آن اهمیت میدهد که آنرا در  
 حکومت پلیسی ایران بمحاطه اندارد ، کسوری که در آن انتقاد کندکان  
 از خاندان پهلوی تقریبا هر روز توی خیابانها نکث میخورند و بعضی مواقع  
 در نزدیک ترین تیر چراغ برق اعدام میشنوند ، کسوری که در آن حق وقایع  
 طریف تر اما بهمان اندازه مرگ بار ، میتواند اتفاق بیفتد .

تاجه حد ایران امن است؟

ظاهرا بنظر می‌آید اکثر شاهزاده محمود رضا میخواست برای نیم میلیون  
 دلارش دوباره ادعا کند ، میایستی به نیویورک آمد . و تسلیم رأی دادگاههای  
 نیویورک شود ، ولی طبعا با یک عضو خاندان سلطنتی یک حکومت پلیسی  
 مثل افراد عادی رفتار نمیشود . قاضی ایرو نیک ال‌لوی (۱) ، از آتجائی  
 که تصمیم گرفت تا به محمود رضا فرصتی دهد ، دستور دادرسی راجع  
 باین موضوع را در برابر ایرونیک . ام . کیرشن باوم با این سؤوال صادر

کرد : آیا خطری متوجه ریچارد ولز ؛ خیرخان و دیگر اعضا گروهش  
نمیشود اگر با ایران رفته واز شاهپور محمود رضا و شاهدخت فاطمه  
شهادت بگیرند ؟

این سؤال تقریبا در راه هر چیزی باز گذاشت و ریچارد ولز بمقعده  
وارد معرکه شد . او فتوکنی صورتحساب های بانک بنیاد پهلوی را عرضه  
کرد . او همچنین مدارک قابل ملاحظه زیادی درباره بیوچیهای روزمره  
که در ایران تحت رژیم شاه اعمال میشود ، ارائه نمود . همراه تمام  
اینها مدارک صور داشت . یکی از عکسها مردی را نشان میداد که روی  
برانکاره حمل میشد . او لحظه ای قبل در خیابان باندازه ای کلکخوره  
بود که بیهودش شده ویس از آن مرده بود . دلیلش چه بود ؟ مأموران ساوا  
با او مشنون شدند که یکی از جاسوسان خیرخان است . یکی دیگر از  
مدارک صور ولز ، جسد دو آدم را نشان میداد که از تیرهای چرا غ  
برق بالا ، سر عابرین تهران آویزان بودند .

وتشیکه نوست بررسی پروردنه سلطنتی فرارسید ، بشدت به چیزهای غیر  
اسامی پرداخته شد و هیچگونه بررسی از مسئله فتوکنی صورتحساب  
بانک بنیاد پهلوی بعمل نیامد . فرانک کالنی سعن میکور تالعبار خیرخان  
رامور سؤال غزاره دهد و به سؤالاتی راجع به اینکه آیا او یک گف باز ماهری  
است یا نه ، اینکه او در ۱۹۲۵ یا ۱۹۲۶ متولد شده ، آیا او در  
دعوی جهت وصول خسارات آتشسوزی که منجر به سوختن وسائل آپارتمان  
نیویورکش واز بین رقتن ۳۹۶ که لباسش شده بود ، شهادت درست  
داره یا نه ؟ ( در این مورد رأی بنفع خیرخان داده شد ) اما راجع

به موافق بودن اسناد ، کانلی کوچکترین حرف نزد . در واقع بعد از بررسی پرونده خیر خان ، آنها با کم و همکاری کانلی ، بعنوان مدار موقت مورد قبول قرار گرفتند . در صفحه ۲۵۰ شرح پرونده دادرسی ، با . مورر از لیست مدارکی که ولز برای تعیین هویت عرضه کرده بود ، کانلی میگوید :

این مدرک شماره ۷ برای تعیین هویت است ( فتو کپی صورت حساب های بانک ) . من اساسا هیچ اعتراضی نداشتم زیرا خودم هم مایلم که رونوشتی از آنرا باشند .  
تصور میکنم ....

ولز با او اطمینان دارد : " بله ، رونوشت های بشما داده خواهد شد . " رفری کیرشن باوم سخن را قطع کرده گفت ، دادگاه نسخه شائی تهیه میکند و پرونده یادداشت زیرانشان میدهد . " مدرک شماره ۷ مدعی که سابقا برای تعیین هویت مشخص شده بود ، اکون بعنوان مدرک دریافت میشود . " روش مشابهی راجع به مدرک شماره ۱۰ که پرداخت کمکی ایالات متحده بایران و وضعیت بعدی پول را بعد از رسیدن بآن کشور نشان میدارد تعقیب نشد .

راجح باینکه شهادت بایستی در ایران گرفته شود یا نه ، رفری کیرشن باوم حیثیت بازجو را خاطر نشان کرد ه او گزارش داده که از طرف خود ، با وزارت امور خارجه در تماس بوده و نظرش را راجع باینکه آیا برای ولز ، خیر خان و افراد دیگری از کروهش ، برای رفتن به تهران ایشتو وجود ندارد ، وزارت امور خارجه باو اطمینان داده بود که او ه ، اصلا خطری وجود ندارد .

برای تأثید این نظر ، کیرشن باوم افشاء ساخت که با پان امریکن و خطوط هوایی بزرگ دیتر نواس گرفته و همکی باو اطمینان داردند که خلبانها آنها هرگز گرفتار هیچ خشونت عملی نشده اند . از آنجائیک هیچیسیک از خلبانهای خبیر خان ، مخالفخطرناک و منعرض رژیم شاه نبودند ، درست بودن این قسمت آخر خبر ضعیف بنظر میر سد . اما همه این اخبار بنظر میرسد که مورخ خشونتوی رفری کیرشن باوم قرارگرفت . وی بقاضی لوی اعلام کرد ، توصیه میکم که شهادت گرفتن در ایران کاملا با اینی صورت خواهد گرفت . این تصمیع بود . که تنفر شدید ریچارد ولز رابر انگیخت . او سوال کرد : " میتوانید تصور کنید که من بتوانم در قلب تهران محمود رضا و شاهدخت فاطمه را سوال بیج کنم ؟ فکر میکنید حتی من جرأت میکم بعداز اینهمه چیزهایی که راجع بشاه گفته ام باتجا بروم ؟ من جرأت نمیکنم ."

ولز اعتراض نامه شدیدی بقاضی لوی نوشت و در آن اظهار داشت " عجیب ترین اتفاقات " میتواند در ایران رخ دهد . او قاضی لوی را مطلع ساخت که او و خبیر خان مطلقا از رفتن با ایران استناع دارند و قاضی لوی بارگ نظر رفری کیرشن باوم ، مقرر داشت که احتیاجن نیست با ایران برخوند و اینکه بگرفتن آنها ، هیچگونه کواہی کنی در ایران گرفته نخواهد شد . قاضی لوی پیشنهادی را که طرفین دعوی دریک محل بیطرف ( پاریس ، لندن یا تل آبی پیشنهاد شد ) باهم ملاقات کنند مورخ تأثید قرارداد وهم آنکو درگاه در انتظار دریافت نظر تهران دراین خصوص است .

در این جامساله حقوقی درحال حاضر مسکوت میماند. اما در آینده بهر جا که بکشد نمیتوان اجازه دادن نتایج ضمنی این دعواه مبهم مسکوت میماند. شواهد غنی که سراسر پرونده را پرکرده نشان میدهد مالیات بزد ازان آمریکائی طی سالها به نگاهداری یک رژیم فاسد و آشفتال کم کرده اند. رلایلی موجود است که ثابت میکند که قسمت از این انبوه هنگفت دلارهای آمریکا صرف ثروتمند کردن تابعین و متخصصین دولتی آمر گردیده است. مردم آمریکا حق دارند بد این تعاین‌گاشان تاچه حد واقعاً تحت تاثیر دلارهای کم خارجی که آنها بصورت مالیات میرا ازند قرار گرفته اند.

آنها هرگز نمیتوانند بفهمند مگر اینکه بطور غلطی ویرای همیشه به ظلم سخراه را زدایی که برنامه کم خارجی در آن کن پوش شد، خاتمه داده شود. وزارت امور خارجه مجازاستکه مهر "محرومانه" یا "کاملاً محرومانه" روی اغلب گزارش‌های بازرسان عمومی بزند و حتی یک سناتور یا عضو کنگره که مواجه با این جریان شده چنانچه اسم از مد رسه یا بیمارستان خاصی بزد که میلیونها دلار برای ساختن آن اختصاص داده شده و هنوز هم ساخته نشده خطر اتهام به بیحرمتی به قوانین جاسوسی مابایان وجود ندارد. این باورنکردنی است؛ مزخر فحض است. اطلاعات مربوط بیک فرودگاه یا یک پایکاه زیردریائی ممکن است قانوناً بعنوان اطلاعات نظامی محدود شود، ولی در اینجا چنین ملاحظه امنیتی درین نبوده است و سکوت در مرور پروژه ارسپیو اسنا دارکمک اقتصادی راه سد شاهراه که گذر رسه، پروژه

خانه سازی ، بیمارستان وغیره ) نباید اعمال شود . معاذالک چنین عمل صریحانه ای امروزه وجود دارد . گزارش‌های اوائل مارس بازرسان عمومی به کثیره نشان داده که بعضی از پروژه های کمک ما بایران صرفا وجود ندارد و حال آنکه مایلی را بایران تخصیص داره ایم که هرگز نصی بایستی داره میشند . اما در آنجا بطور مبهم ، گزارش‌ها متوقف میشود . افشاء کامل حقیقت نمیتواند صورت نیزد ، وزارت امور خارجه مواثیب آن است .

ولی احتمالا وزارت امور خارجه هنوز خدمتگذار مردم آمریکا و شرکه است نه ارباب . وزارت خارجه احتیاج بیک تقطیر درست و حساسی دارد . دو سال است که کثیره مدرکی دارد که لایروبی بعضی از حوضهای متعفن را در عمق تیره وزارت‌خانه توجیه میکند و اکون وقت آن است که بوظیفه خود عمل نماید .

### پایان

تکثیر و توزع از :

پیامبر

PAYAME MUJAHID  
P.O.BOX 4485  
SPRINGFIELD, MO 65804  
U.S.A.